

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org

تحلیلی بر روابط دختر و پسر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیلی بر روابط دختر و پسر

نویسنده:

حمزه کریم‌خانی

ناشر چاپی:

عطر یاس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
تحلیلی بر روابط دختر و پسر	۹
مشخصات کتاب	۹
پیشگفتار	۹
فصل اول	۹
اشاره	۹
از جمله روابطی که بعضاً بین دختران و پسران در جامعه ما، به وجود می آید رابطه به اصطلاح دوستی دختران و پسران است، که از اصطلاحاتی مانند	
فصل دوم	۱۴
اشاره	۱۴
آزادی دختر و پسر	۱۴
حریم	۱۵
روابط آزاد	۱۵
معیارهای اخلاقی برای معاشرت	۱۶
الف) در نگاه	۱۶
ب) در پوشش	۱۶
ج) در اندیشه و قلب	۱۷
د) در گفتار	۱۷
هـ) در رفتار	۱۷
چرا دخترها بیشتر باید خود را بپوشانند؟	۱۸
آیا پوشش دختران، مانع رشد آنها نیست؟	۱۹
عفاف، مصونیت است	۱۹
پی نوشت ها:	۲۰
فصل سوم	۲۰

۲۰	 اشاره
۲۰	 ۱- سرکوب شدن استعدادها
۲۱	 ۲- افت تحصیلی یا رکود علمی
۲۲	 ۳- ایجاد جو بدبینی
۲۳	 ۴- اضطراب، تشویش و احساس نگرانی
۲۳	 ۵- فقدان شناخت درست و واقع بینانه
۲۳	 ۶- محرومیت از ازدواج پاک
۲۳	 ۷- عدم استقبال از تشکیل کانون خانواده
۲۴	 ۸- کم رنگ شدن ارزش های مکتبی و فرهنگ اصیل ایرانی
۲۴	 ۹- انحطاط اخلاقی
۲۵	 ۱۰- تهدید مهم ترین سرمایه دختر و پسر
۲۵	 ۱۱- احساس گناه
۲۶	 ۱۲- خیانت به همسر آینده
۲۶	 پی نوشت ها:
۲۶	 فصل چهارم
۲۶	 اشاره
	در تمامی سنتها و اقوام، ارتباط بین زن و مرد بیگانه، کم و بیش نابهنجار و غیر متعارف قلمداد می شود. باید گفت: غیر از فرهنگ منحرف غرب در د
۲۶	 اشاره
	۱- رؤیا دختری ۱۶ ساله است که به همراه دوست پسر خود از یکی از شهرستانها به تهران آمده، و در ترمینال جنوب تنها و بی سر پناه دستگیر
	۲- فریبا با وجود عقد کردن با پسر خاله اش، به هنگام گردش با چند پسر دستگیر شده است. او چندین بار با یکی از دوست پسرهایش مرتکب ع
۲۸	 یک پرسش اساسی
۲۸	 ارزش های والای خود را فراموش نکنیم
۲۹	 پی نوشت ها
۲۹	 فصل پنجم

۲۹	 اشاره
۲۹	 مباحث این فصل را در پاسخ به سه پرسش اصلی خلاصه می کنیم:
۲۹	 اشاره
۳۰	 ۱. عدم ارضای صحیح غریزه جنسی
۳۰	 ۰۲ احساس نیاز به محبت
۳۱	 پی نوشت:
۳۱	 فصل ششم
۳۱	 اشاره
	نکته اول: ایام جوانی دوره شور احساسات، شوق جنسی و نشاط جسمی است. با بیدار شدن قوای مختلف جسمی، توجه به مسائل عاطفی و جذابیت د
	نکته دوم: همه ما معتقدیم که انسان موفق کسی است که اهداف مشخصی در زندگی داشته باشد و برای رسیدن به آن برنامه ریزی نماید و راه مناسب
۳۳	 پیامدهای منفی روابط نامشروع در بین جوانان
۳۳	 ۰۱ از بین رفتن کرامت انسانی و غرق شدن در شهوات
۳۴	 ۲. سلب آرامش روانی و ایجاد اضطراب و افسردگی
۳۴	 ۳. کاهش میل به ازدواج و تشکیل زندگی شرافتمندانه
۳۴	 ۴. تضعیف باورهای اعتقادی و ایمان
۳۴	 پی نوشت ها:
۳۵	 فصل هفتم
۳۵	 اشاره
۳۵	 ۱. لزوم توجه به ابعاد متعالی انسان اعم از مرد و زن
۳۵	 ۲. حراست از کرامت انسانی زنان
۳۵	 ۳. تاثیرات مخرب فرهنگی روابط آزاد بر زنان و مردان
۳۵	 ۴. تزلزل بنیان خانوادگی
۳۶	 ۵. غریزه محوری به جای بالندگی و سازندگی فکری (استهلاک قوا)
۳۶	 ۰۶ ابعاد و پیامدهای سیاسی و اقتصادی روابط آزاد

۳۶	۷. سلطه پورنوگرافی بر ارتباطات
۳۷	۸. تهدید جدی بهداشت و سلامت افراد
۳۷	۹. پیدایش انحرافات جنسی
۳۷	پی نوشت ها:
۳۷	فصل هشتم
۳۷	اشاره
۳۷	احکام صحبت کردن
۳۸	الف (صحبت کردن مردبانامحرم
۳۸	ب) صحبت کردن زن با نامحرم
۱۲	مسأله: هر کسی که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست و هرگونه لمس کردن بدن با هر عضوی باشد حرام است و باید
۳۹	۲۱. مسأله: بوسیدن محارم اشکال ندارد، مشروط به آنکه به قصد لذت و ریه نباشد (به استثناء همسر که مطلقاً جایز است).
۳۹	اشاره
۴۰	قانون کلی
۴۰	منبع:

تحلیلی بر روابط دختر و پسر

مشخصات کتاب

سرشناسه: کریم‌خانی، حمزه ۱۳۵۹ - عنوان و نام پدیدآور: تحلیلی بر روابط دختر و پسر / مولف حمزه کریم‌خانی. مشخصات نشر: قم عطر یاس □ ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۹۴ ص. شابک: ۱۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۶-۶۹-۷؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ اول)؛ ۱۴۰۰۰ ریال (چاپ دوم) وضعیت فهرست نویسی: فاپا یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: جوانان -- جنبه‌های اخلاقی موضوع: جوانان و اسلام موضوع: امور جنسی -- جوانان -- اخلاق موضوع: جوانان -- راه و رسم زندگی رده بندی کنگره: ۱۶۵/۲۳۰BP/ک۴۳ت۳ ۱۳۸۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۲۱۳۶

پیشگفتار

بدون تردید کشور ایران، دومین کشور جوان در دنیا محسوب می شود و از نظر جمعیت افراد ۱۵ تا ۱۹ سال نسبت به کل جمعیت، رتبه نخست را در دنیا دار د. ۱ در حال حاضر سن ازدواج در ایران بالا- رفته است و این موجب گشته که بسیاری از دختران و پسران، مجرد باقی بمانند. عده ای از این جوانان، دختران و پسران دانشجویی هستند که دست کم در محیط دانشگاه ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود دارند. پس از پایان تحصیلات نیز دختران به دلیل گرفتن برخی از مشاغل اجتماعی، حضورشان در جامعه و به تبع آن ارتباط شان با مردان، نسبت به گذشته افزایش یافته است. از آنچه گفته شد، به خوبی ضرورت تبیین مسأله "روابط زن و مرد" و به ویژه "روابط دختر و پسر" و پاسخ گویی به پرسش های مختلفی که در این زمینه مطرح است آشکار می گردد. در سالهای اخیر به دلیل رواج برخی ناهنجاری ها و نمودار شدن تضادهای هنجاری در زمینه روابط دختر و پسر، زمینه نگرانی ۱. گزارش ملی جوانان (۱)، سازمان ملی جوانان، موسسه فرهنگی اهل قلم تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۷. خانواده ها، مسئولان مدرسه ها و دیگر مراکز آموزشی و فرهنگی، فراهم شده است. کتاب حاضر که با عنوان "تحلیلی بر روابط دختر و پسر" از نظر خوانندگان محترم می گذرد، در ابتدا با نگاهی عمیق، عوامل شکل گیری روابط دختر و پسر را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و وظایف مهم والدین را در این خصوص گوش زده می کند. در ادامه ضمن بررسی آسیب های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی این گونه روابط، معیارهای اخلاقی و اسلامی برای معاشرت افراد را در جامعه بیان می نماید که رعایت آن تأثیر به سزایی در جلوگیری از ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی دارد. مقوله روابط دختر و پسر در دانشگاه ها، خانه گریزی دختران و پسران در اثر روابط پنهانی و نیز و احکام روابط زن و مرد از دیگر مباحث، این کتاب است که مطالعه دقیق آنها به خوانندگان محترم توصیه می گردد. شهر مقدس قم تابستان- ۱۳۸۷

فصل اول

اشاره

عوامل شکل گیری روابط دختر و پسر و وظایف والدین

از جمله روابطی که بعضاً بین دختران و پسران در جامعه ما، به وجود می آید رابطه به اصطلاح دوستی دختران و پسران است، که از اصطلاحاتی مانند "دوست پسر" و "دوست دختر" در این گونه موارد، استفاده می شود". مقصود از دوستی دختران و پسران رابطه

ای است نسبتاً صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی که از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه و ایمیل و یا برقرار ساختن ارتباط تلفنی بین دختر و پسر، ایجاد می شود.

این دوستیها دارای ویژگیها و تبعاتی است که باید مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد. در این دوستیها معمولاً پسری با دختری طرح آشنایی می ریزد. برخی اوقات پسری ممکن است با چند دختر و در موارد نادری نیز یک دختر با چند پسر طرح دوستی و آشنایی بریزد. این گونه دوستیها معمولاً به صورت پنهانی و به دور از چشم خانواده و آشنایان، انجام می گیرد، به همین لحاظ، دختر و پسر باید برای ملاقات یا برقراری ارتباط با یکدیگر انرژی و وقت زیادی به منظور طرح ریزی و فراهم آوردن مقدمات، صرف کنند. پنهانی بودن همین روابط سبب می شود که به دلیل محدودیت جغرافیایی و نیز آشنایی متقابل افراد در برخی جوامع، ارتباط پنهانی به سادگی امکان پذیر نبوده و این قبیل دوستیها نیز به حداقل ممکن تنزل پیدا می کند. به همین دلیل در جوامع کوچک، مانند روستاها این دوستیها به ندرت اتفاق می افتد. در جوامع بزرگ، به خصوص در شهرهای بزرگی که افراد آن، یکدیگر را به ندرت می شناسند، زمینه برای برقراری روابط پنهانی بین دختر و پسر بهتر فراهم است. معمولاً در برقراری ارتباط بین دختر و گاه دوستان پسر به منزله واسطه هایی برای برقراری ارتباط بین آنها، تلاش می کنند. رد و بدل کردن نامه بین آندو، آوردن و بردن پیغام از یکی به دیگری و حتی گاه نگهبانی دادن در اطراف محلی که دختر و پسر با یکدیگر ملاقات می کنند، توسط دوستان آنها انجام می گیرد. بسیاری مواقع، برقراری ارتباط بین دختر و پسر بسیار سریع و بدون وجود مقدمات طولانی انجام می گیرد. گویی دختر و پسر، آمادگی و زمینه لازم برای برقراری دوستی را داشته اند. در بعضی از نامه هایی از این گونه جوانان به دست می رسد، به این نکته بارها اشاره شده است. انگیزه های دوستی دختران و پسران معمولاً برای آنها مبهم است، ولی از نظر یک انگیزه اجتماعی، باید بگوییم که پسران داشتن دوست دختر را یک قدرت فردی و اجتماعی برای خود تلقی می کنند و دختران نیز داشتن دوست پسر را یک جاذبه فردی و اجتماعی برای خود می شمارند. به همین دلیل در بین افرادی که این افکار وجود دارد، نداشتن دوست دختر و یا دوست پسر، نوعی بی عرضگی و ناتوانی تلقی می شود. در صحبت هایی که بین دوستان در این زمینه رد و بدل می شود، این نکته به خوبی مشاهده شده که افرادی که دوستی از جنس مخالف دارند، خود را قدرتمند و دارای کفایت اجتماعی معرفی می کنند، و در چنین مجموعه هایی، دختران و پسرانی که از جنس مخالف دوستی برای خود انتخاب نکرده اند خود را حقیر و ناتوان می انگارند. این نگرش نقش مهمی در تحریک و تلاش دختران و پسران برای دوست یابی دارد. چنین نگرشی است که گاه برخی از دختران و پسران را وادار می کند تا از طریق صحنه سازی و استفاده از روشهای تقلبی این گونه وانمود کنند که دارای دوست دختر و یا پسر هستند. گاهی اوقات این گونه افراد خود نامه های عاشقانه ای خطاب به خود می نویسند و آن را از طریق پست برای خود ارسال می دارند و سپس با نشان دادن این نامه ها به دوستان خود شخصیت ظاهراً لطمه خورده خود را، جبران می کنند. در موارد نادری دختر و یا پسر حتی نامه ای که خود نوشته، در ذهن خویش حقیقی می پندارد. در این گونه موارد، فرد دچار نوعی توهم آشکار می شود. در دوستیهای موجود بین دختران و پسران، از آنجا که مقاومتی قوی از طرف پدر یا مادر و جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستیها وجود دارد، این گونه دوستیها، با مخاطرات روانی گوناگونی همراه است؛ زیرا گفتیم که دختر و پسر می باید وقت و انرژی زیادی برای نقشه کشی و ایجاد شرایط لازم به منظور ملاقاتهای دوستانه خود صرف کنند، این انرژی از سوی دیگر همراه با ترس و اضطراب مستمری است که دختر و پسر می باید تحمل کنند. صرف این وقت و انرژی از یک سو و تحمل این اضطراب از سوی دیگر، به سادگی برای دو طرف قابل تحمل نیست، لذا به گونه ای تلاش می کنند، روابط خود را به هنجارها و قواعد مورد پذیرش جامعه، نزدیک کنند، از این رو در دوستیهای دختران و پسران، وعده ازدواج از سوی پسر و نیز انتظار ازدواج از سوی دختر، مساله ای بارز و فراگیر است. در حقیقت دختر و پسر با طرح مسأله ازدواج با یکدیگر در روابط فیما بین و نیز در افکار خویش، تعارضهای دورنی خود را حل می کنند. یا به عبارت بهتر، سعی در حل آن می کنند. تقریباً تمامی

پسران به دوست دختران خود وعده ازدواج می دهند و تمامی دختران نیز تخیل ازدواج با دوست پسران را در ذهن می پروراندند. از آنجا که ماهیت اصلی این تخیلات، رهایی از اضطراب و تعارض عمل نوجوان و جوان، با قواعد و هنجارهای مورد پذیرش جامعه است، لذا در اغلب موارد، این تخیلات در حد همان خیالبافی باقی می ماند و جامعه عمل نمی پوشد و به همین دلیل در اغلب موارد این گونه دوستیها به ازدواج ختم نمی شود و چون به لحاظ اجتماعی این دوستیها، ناپختگی نیز به شمار می آید. معمولاً خانواده دختر و پسر، چنین افرادی را در حد لازم پخته و شایسته برای ازدواج نمی یابند. طرح مسأله ازدواج از طرف پسر با مخالفت و ممانعت خانواده خود روبرو می شود و اگر در مواردی پسر به خواستگاری دختر نیز برود، خانواده دختر چنین ازدواجی را نمی پسندند؟ زیرا در قضاوت های خود نوعی ناپختگی را در طرح چنین مسأله ای می یابند. بنابراین باید بگوییم که وجود فکر ازدواج در بین دختران و پسران تنها نوعی ایجاد رضایت خاطر برای دختر و پسر را به دنبال دارد. همان گونه که یادآور شدیم وجود این فکر می خواهد به دختران و پسران آرامش بدهد تا آنها تصور نکنند که برخلاف قوانین و هنجارهای جامعه، رفتار می کنند. بسیاری مواقع این دوستیها بعد از مدتی قطع می شود، علت این قطع شدن هم این است که هر چند این دوستیها کارکردهایی را در پی دارد، ولی معمولاً حفظ آنها به دشواری و سختی صورت می گیرد. کارکردهای این دوستیها علاوه بر ایجاد احساس کفایت اجتماعی، در دختر و پسر، نوعی پناه جویی به یکدیگر را نیز به دنبال دارد. دختران و پسرانی که به نوعی از وضعیت روانی و اجتماعی خویش ناراضی هستند و در این زمینه خود را سرگردان و آشفته می یابند، از طریق برقراری روابط پنهانی با جنس مخالف، در صدد کسب رضایت و یا به عبارتی یافتن شرایط هستند که برای آنها اطمینان خاطر و رضایت مندی بیشتری فراهم کند! به این ترتیب یافتن دوست دختر و پسر در حقیقت نوعی یافتن ثبات و اطمینان خاطر و رضایت مندی به شمار می آید. از کارکردهای دیگر این دوستیها که موارد عملی آن تقریباً نادر است کارکرد جنسی این نوع دوستیهاست، به عبارتی این گونه دوستیها، نوعی تمایل غریزی متقابل را نشان می دهد؟ با توجه به اینکه عناصر اجتماعی و هنجارها و قواعد اجتماعی و روانی بر رفتار بسیار از افراد، حاکمیت دارد، لذا برقراری روابط دوستی بین دختر و پسر که صرفاً بر مبنای غریزه جنسی استوار باشد، تنها در میان اقشاری از جامعه که از لحاظ رشد فکری و فرهنگی در انحطاط شدید به سر می برند، دیده می شود. اینان دختران و پسرانی هستند که بسیاری از ارزشهای رواش و اجتماعی خود را به آسانی در مقابل غرایز خویش قربانی می کنند، همان قشری که معمولاً قشر فاسد اجتماع، به معنای حیوانی آن را تشکیل می دهند. معمولاً افرادی که در چنین بافتی معنای حیوانی آن را تشکیل می دهند، به اعمال و کارهایی دست می زنند که برای اغلب افراد جامعه، بسیار پست تلقی می شود. معمولاً کسانی که صرفاً با غرایز حیوانی به طرف جنس مخالف کشیده می شوند، خود را از دایره تعلیم و تربیت جامعه نیز به انحای گوناگون دور می سازند. اینان کمتر در مسیر تعلیم و تربیت عمومی جامعه، از قبیل مدرسه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، خواندن کتاب و مجله و این قبیل ابزارها، قرار می گیرند. برای این گونه افراد، جامعه باید برنامه خاصی طراحی و به اجرا درآورد. آنهایی که به نحوی از انحا خود را در مسیر ارزشهای روانی و اجتماعی قرار نمی دهند، می توانند به مثابه پایه ای برای گسترش فساد در جامعه، عمل کنند. علی رغم وجود کارکردهای دوستیهای دختران و پسران، هیچ یک از این کارکردها نمی تواند به صورت یک عامل مستمر برای استمرار دوستیها عمل کنند. آن اطمینان خاطری که دختران و پسران از طریق برقراری دوستی بین خود، جستجو می کنند، زیاد طول نمی کشد و آنان پی می برند که این اطمینان خاطر، به قیمت از دست دادن بسیاری از اطمینان خاطرهای دیگری به دست آمده است. وجود اضطراب مستمر در درون این گونه افراد، از جمله عوامل بسیار مهم در سلب اطمینان خاطر از آنهاست. این مسأله یکی از عوامل بسیار مهم در قطع این دوستیها به شمار می آید. به این لحاظ باید توجه داشته باشیم که این دوستیها عمر زیادی ندارند و آنچه در پی آن باقی می ماند، تعارض فکری و احساس دختران و پسران است. در این زمینه از دست دادن ارزشمندی و شرافت خویش از جمله آسیبهایی است که دختر و پسر باید آن را تحمل کنند. به همین دلیل باید برای نوجوانان این مسأله توضیح داده شود که این

گونه دوستیها در جامعه، نه تنها سودی برای دختران و پسران ندارد، بلکه می تواند یک آسیب روانی و اجتماعی و تربیتی به شمار آید. به عبارت دیگر آنچه پس از این دوستیها باقی می ماند، چیزی جز آسیب و مشکلات روانی، اجتماعی و تربیتی نیست. توضیح و توجیه این گونه مسائل، با توجه به کارکردهای این دوستیها بسیار اهمیت دارد و می باید از طرف مربیان، با ظرافت خاصی برای نوجوانان و جوانان مطرح شود. در اینجا حفظ شخصیت و ارزشمندی دختر بسیار اهمیت دارد. نباید مشاور از طریق مشورت کردن های بی مورد با دیگران در این زمینه و یا به دلیل کشش درونی خود برای طرح این موضوع با دیگران، حرمت دختر را بیش از پیش با آسیب مواجه سازد. به هر حال در چنین مواردی تاکید بر این است که انسان آسیب دیده به لحاظ روانی و اجتماعی را حتی المقدور از گسترش آسیب و تبدیل شدن وی به انسانی بی ارزش و در نتیجه تبدیل شدن به فردی که خود مولد آسیبهایی بیشتر برای دیگران شود، دور داشت. چنین فردی اگر نتواند تعارضهای روانی خود را حل کرده و در مورد کفایت و کارآیی خود در آینده، اطمینان حاصل کند بدون شک در آینده از طریق داشتن فرزند و نیز تشکیل یک خانواده سست و متزلزل، آسیبهایی روانی خود را به دیگران نیز، تسری خواهد داد. مادری که شخصیت بی کفایت برای خود تصور می کند و خود را آلوده و بی ارزش و ناتوان به شمار می آورد، کمترین آسیب او این است که چنین افکاری را به فرزندان خویش به شکل ناخودآگاه منتقل سازد. در چنین مواردی می باید به آینده دختر و فرزندان وی در نهایت خانواده ای که او می خواهد بسازد، به دقت بیندیشیم و او را برای تشکیل یک خانواده با کفایت بازسازی کنیم. در صورتی که دختر به کرامت نفسانی خویش، یعنی کرامت شخصیت خود و ارزشمندی شخصیت خود، پی ببرد، خود را به آسانی در اختیار امیال و خواسته های دیگران قرار نخواهد داد. وقتی خانواده و به خصوص مادر، پیوسته دختر را سرزنش می کنند و او را تحقیر می نمایند و وی را فردی بی ارزش تلقی می کنند و با خطاب کردن اصطلاحاتی نظیر: عقده ای، پست، شلخته، بی عرضه، و امثال آن، دختر را بی کفایت جلوه می دهند، او هرگز نمی تواند برای خود این قدرت را قائل شود که در مقابل فشارهای سایرین مقاومت و حرمت خویش را پیوسته حفظ کند. خانواده ای که به فرزندان خود اطمینان می بخشد که شما افرادی ارزشمند، والا، قدرتمند و با اراده هستید و حریم شخصیت خود را به شایستگی حفظ خواهید کرد، این فکر را به فرزندان خود منتقل می کند که آنها نمی باید اسیر خواسته ها، مطامع و فاره های روانی دیگران قرار گیرند. آنها ایستادگی و مقاومت خواهند کرد و زندگی را آن گونه که عقل آنها حکم می کند، خواهند ساخت. بدوت شک دوستی های دختر و پسر در جامعه ما، یک آسیب روانی، تربیتی و اجتماعی به شمار می آید. در سطور آینده نمونه هایی از آسیب اجتماعی دختران را در این زمینه مورد بحث قرار خواهیم داد. دختری پانزده ساله از کرج ضمن نامه ای نوشته است که: «من دختری هستم که به علت کمبود محبت در خانواده، سال گذشته به ناچار دست به خودکشی زدم، ولی بعد از اینکه دو ساعت حالم بد بود، مادرم مرا به بیمارستان برد و از مرگ حتمی نجات داد. خواهری دارم تقریباً ده ساله، مادرم بیشتر به او احترام می گذارد، اما احترام من را نگاه نمی دارد. در همه جا غرور مرا می شکند، ولی برای خواهرم احترام بسیار قائل است و از او تعریف می کند؛ البته من در گذشته اشتباهی مرتکب شده با پسری دوست شدم که در همسایگی ما می زیست. به خدا من نمی خواستم چنین کاری کنم، ولی بر اثر کمبود محبت و تحریک دوستان مجبور به این کار شدم. از وقتی که مادرم فهمید، هر کاری که می کنم سرزنش می کند و به من فحاشی می کند.» این نامه نمونه ای است از آسیبی که دختر به دلیل دوست شدن با پسر همسایه در محیط خانواده، با آن روبرو بوده است. این آسیب نه تنها جایگاه او را در خانواده مورد تردید قرار می دهد، بلکه احترام به خود و شرافت و کرامت نفسانی دختر را نیز با آسیب مواجه می سازد. نامه دیگری مربوط به دختر خانمی، از یکی از روستاهای خراسان است. او در قسمتی از نامه خود چنین می نویسد: "دختر همسایه ما که چند سالی بزرگتر از من بود و نامزد داشت، مرا با برادر شوهرش آشنا ساخت، من بعضی وقتها که به خانه آنها می رفتم، دختر همسایه مرا فریب داده و به دروغ حرفهایی از طرف برادر شوهرش به من می گفت. من هم با خود گفتم، شاید برادر شوهر این دختر با من ازدواج کند و به این ترتیب با او آشنا شدم. حدود یکسال و نیم از

آشنایی من با او می گذشت که یکی از اقواممان با خبر شد و به برادر تنی من خبر داد او آمد و به اتفاق برادر خودم که تازه از سربازی آمده بود، مرا به باد کتک گرفتند، آنقدر آن دو مرا زدند که از دماغ و دهان من خون جاری شد و حالت تهوع به من دست داد. از آن روز بدبختی واقعی من شروع شد. الان چهار سال و نیم از آن زمان می گذرد و من در خانه مثل پرند ه ای در قفس هستم و به انتظار نشسته ام که یکی بیاید و مرا از این زندان غم و تنهایی نجات بدهد. این نامه نیز یک مورد از آسیبهای اجتماعی را بر ملا می سازد، که دختر بر اثر هم صحبتی با یک پسر، دچار آن شده است. در این نامه نیز ما می بینیم که آسیب در درجه اول متوجه دختر است و این دختر است که آسیب را می باید تحمل کند. دختر خانمی از یکی از شهرهای خوزستان ضمن نامه ای، چنین نوشته اند: "من در زندگی شکست خورده ام و دیگر راه چاره ای جز خودکشی ندارم، چون دیگر حاضر نیستم بعد از این کار، مهر هیچ پسری را در دلم جای دهم و همیشه در خود فرورفته ام و از همه کس متنفرم به هیچ یک از آدمها اطمینان ندارم. همه آنها بی معنا هستند، در حالی که پسر عمه من، مرا خیلی دوست داشت و من هم اوایل، قبل از آنکه با آن آقا آشنا شوم، به پسر عمه ام علاقه زیادی داشتم، ولی او اصلاً خبر نداشت، چون غرورم به من اجازه نمی داد که او بفهمد که به او علاقه مندم، ولی تحت تأثیر بعضی از دوستان ناباب با آن آقا آشنا شدم و عاقبت هم چنان غرورم را شکست خورده یافتم که امروز چاره ای جز خودکشی برای خود نمی یابم. " این خانم در ابتدا نامه خود سن خود را هفده ساله ذکر می کند و می گوید: "من به هنگام امتحانات ثلث سوم از طریق تلفن با آن آقا آشنا شدم. " ایشان در ادامه این آشنایی ذکر می کند که "آن آقا پیوسته به من وعده ازدواج می داد، وقتی از او خواستم که برای خواستگاری بیاید، او گفت که خانواده ام با این کار موافقت نمی کنند؟ یعنی خانواده من اجازه وصلت با غریبه ها را نمی دهند. " این مطلب باعث شده است که این دختر خانم، حیثیت و شرافت خود را از یک سو آسیب دیده بداند و از سوی دیگر از تمامی انسانها متنفر باشد. به نظر می رسد در این جمع بندی باید دوستیهای را که با ویژگیهای بالا به آنها پرداختیم، مورد نقد و تجدید نظر قرار دهیم و برای پدران و مادران، و نسل نوجوان و جوان آن را بیش از پیش به تبیین و بررسی گرفته تا آسیبهایی را که در جامعه ما از طریق این نوع دوستیها به دختران و پسران وارد می شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به دخترانمان گوشزد کنیم که از طریق مراعات قواعد اجتماعی در مورد ازدواج و همچنین از طریق عدم برقراری روابط پنهانی با پسران، حرمت نفس خویش و کرامت انسانی و شخصیت خود را حفظ کنند. همچنین به پسرانمان این نکته را گوشزد کنیم که نباید دختران معصوم را قربانی مطامع زودگذر خود کنند. آنها می باید با حفظ کرامت و مردانگی خود، حریم عفت و پاکدامنی سایرین را نه تنها نشکنند، بلکه از آن پاسداری نیز بکنند. آنها می باید با ایستادگی و مردانگی در مقابل کسانی که روابط پنهانی خود با دختران و نوامیس دیگران را با آب و تاب تعریف می کنند، بایستند و هر چه بیشتر باب این گونه مسائل را ببندند و طرح این گونه موارد را از طریق بی توجهی به آن و حتی سرزنش کردن کسانی که این مطالب را طرح می کنند، به حداقل برسانند. یکی از دلایل اشاعه چنین مسائلی بین دختران و پسران بی توجهی نوجوانان و جوانانی که دارای افکار سالمی هستند، به نقش خود در برخورد با چنین مسائلی است. آنها می باید بدانند که در چنین مواردی وظیفه ای مهم در زمینه امر به معروف و نهی از مکر در قبال دوستان خود دارند. جوانان پاکدامن می باید شرایط را به گونه ای فراهم سازند که صحبت کردن در خصوص دوست گرفتن از جنس مخالف، اعم از دختر و پسر، بسیار ناپسند و نشانه ضعف و کوچکی شخصیت تلقی شود. این نکته را باید گوشزد کرد که جامعه و ارزشهای فرهنگی ما، چنین اقتضا می کند که حریم خانواده ها حفظ گردند تا جامعه ای سالم به جهان معرفی شود. اینکه در تمامی زمینه ها، به دنبال غرب باشیم و از آنها تأثیر بپذیریم، نشانه پستی و ذلت ماست. بنابراین برای حفظ و پاسداشت ارزشهای فرهنگی و اجتماعی، می باید چنین رفتارهایی را طرد کنیم. این رفتارها نه تنها حرمت اجتماعی و فرهنگی ما را خدشه دار می سازد، بلکه افرادی را به جامعه تحویل خواهد داد که با انواع آشوبهای روانی- اجتماعی و تربیتی، عهده دار ساختن کشور و نسل آینده خواهند شد. منابع: ۱) تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران: علی اصغر احمدی. انتشارات تعلیم و تربیت

۲۰) خانه گریزی دختران: رضا مهکام، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

فصل دوم

اشاره

معیارهای اخلاقی برای معاشرت افراد

آزادی دختر و پسر

اسلام بر پاکی و سلامت شخصیت دختر و پسر و لزوم رعایت حقوق فرد و جامعه در ارتباط ها، نگاه ها، شنیدن ها و مکالمات مستمر تأکید فراوان دارد و به هیچ عنوان راضی نمی شود که حریم قدسی دختر، خدشه بردارد یا پسر از دایره عفت و پاکی خارج شود. اما دنیای امروز، تحت تأثیر فرهنگ غربی، به نام آزادی (و صریح تر بگویم: آزادی روابط)، روح پاک جوانان دختر و پسر را سرگردان و گرفتار هیجانات بیهوده می کند. آزادی مورد نظر هم به جای این که به شکستن استعدادها و خلاقیت ها کمک کند، موجب هدر رفتن نیروها و استعدادهای شاداب جوانی شده و جوانان را از دایره زندگی و اندیشه متعادل، خارج ساخته است. دختری که از آغوش خانواده بیرون می آید، به کجا روی بیاورد که به دام سودجویانی که عواطف پاک و دل ساده و آرزوهای انسانی او را به بازی می گیرند، نیفتد و سرنوشت و شخصیت و سلامتی اش به خطر نیفتد؟ برخی از آداب اجتماعی ما که جوانان را از اجتماعی شدن، ارتقای شخصیت علمی- فرهنگی و انتخاب گروه همسالان همفکر و همسر مناسب بازداشته اند، نه دینی و نه منطقی اند؛ اما در عین حال، کنار گذاشتن تمامی سنت ها و پذیرش بی قید و شرط فرهنگ حاکم بر جهان پیشرفته نیز رفتار عاقلانه ای به نظر نمی رسد. فرهنگ غربی، خواسته یا ناخواسته، به نام آزادی و در راه رسیدن به آن، فضای جامعه را نا امن و کانون خانواده را متزلزل نموده است. در چنین فضایی، هیجانات کاذب و عطش کامجویی ها، فرصت اندیشیدن و خلوت معنوی و لذت رفتارهای اخلاقی و خویشترنداری های عفیفانه را از انسان گرفته است. در جهان به اصطلاح "آزاد"، "علاقه واقعی جوانان به علم و دانش، هر روز، کم تر می شود و جوانان به کار و حرفه، رغبت نشان نمی دهند و از رعایت قوانین و مقررات اجتماعی و انسانی فراری شده اند. در این جوامع، بر اثر بی بندوباری ها و تلاش های دائمی شهروندان برای رسیدن به منافع و رفاه بیشتر و نادیده انگاشتن حریم های انسانی و پیام های انبیا، هر روز، جنایات تازه ای در شرف تکوین است، که عشق های دروغین خیابانی و دوستی ها و ارتباطهای کوچه و بازاری، تنها نقطه های آغاز شمرده می شوند. در جوامع غربی و مقلد غرب، نسل جوان، هدف بیشترین تبلیغات رسانه ای برای مصرف بیشتر محصولات تجاری اند (لباس های مدر روز و ماه و سال، لوازم آرایش و خودآرایی، خوردنی های جدید، نوشیدنی های تازه، فیلم ها و آوازهای سُبک یا غیر اخلاقی، مواد انرژی زا و توهم زا و...) بدون آن که فرصت انتخاب داشته باشند و یا بتوانند آگاهانه از حلقه و گردونه ای که درونش قرار گرفته اند، خارج شوند. در جامعه ای که به هیچ اصل اخلاقی یا آرمان غیر مادی پایبند نیست، همگان قربانی اند، مگر آن که به شکارچی تبدیل شوند. بدین ترتیب، روشن است که روابط آزاد، لازمه اقتصاد آزاد است. برای این که همیشه در جهان، حرف اولی را در تولید بزنند، باید جهانیان را به مصرف کنندگان دائمی محصولات ارزشمند یا بی ارزش خود تبدیل کنند و شکسته شدن حریم ها (حریم خانه، حریم خانواده، حریم شخصی، حریم سنت های اخلاقی و ملی و...)، گام نخست در ترویج محصولات و تربیت نسل تخدیر شده و مصرف کننده است. نسلی که در گام بعدی، چه نظامی باشد و چه نباشد، به عنوان سرباز غرب و فرهنگ غربی، در برابر تمام آنها که استقلال و عزت خود را پاس می دارند، خواهد جنگید!

حریم

جامعه دینی، در روابط اجتماعی خود، توجهی ویژه به حصار عفاف و حریم شخصی دختر و پسر دارد. روش اسلام، این است که انسان، معتدل و متعادل زندگی کند و از هر افراط یا تفریطی به دور باشد. خداوند نیز مسلمانان را، امت متعادل می نامد. (۱) و افراد اجتماع را به روش صحیح زندگی فرامی خواند و در مقررات خود، همه جنبه های نیاز دختر و پسر را در نظر می گیرد. از جمله، دختران را تا حدودی که منجر به زیان دیدن و انحراف آنها نشود، از شرکت در اجتماع، نهی نمی کند. رسول خدا به برخی از زنان اجازه می دادند که حتی در جنگ ها برای امداد و کمک به مجروحان و سربازان، شرکت کنند و در تاریخ اسلام، نمونه هایی از مشارکت زنان و دختران در فعالیت های اجتماعی ذکر شده است. روشن است که رعایت حریم ها از سوی زنان و مردان، تضمین لازم برای دوام چنین مشارکتی است و حضور زنان و دختران در فضاهای عمومی یک جامعه، مشروط به صلاحیت اخلاقی و متانت مردان و پسران آن جامعه است.

روابط آزاد

اسلام به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح «آزاد» دختر و پسر کاملاً آگاه است و نهایت مراقبت را در روابط و برخوردهای دختران و پسران دارد، تا حدی که منجر به انحراف و فساد نشود و طرفدار مشارکت دختران و پسران در جامعه به شکل معقول و با حفظ حریم است. اسلام، در عین این که اجازه شرکت در محافل، مدارس، مساجد و... را به جوانان دختر و پسر می دهد، دستور می دهد که به صورت مختلط نباشد و محل نشست و برخاست ها از یکدیگر جدا باشد. پیامبر اکرم! در زمان زندگی خویش دستور دادند که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان، جدا باشد. و نیز نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) آن زمان که مسجدشان یک در داشت، فرمودند که شب هنگام که نماز تمام می شود، نخست خانم ها از مسجد خارج شوند و بعد، مردها. راهنمایی هایی که در احادیث و آیات برای حریم گرفتن دختر از پسر و زن از مرد در ارتباطات و روابط اجتماعی بیان شده است، بیانگر این حقیقت است که از نظر روانی- تربیتی، رها کردن دختر و پسر در فضای جذابیت و کشش متقابل در مناسبات و روابط، سخت زیانبار است و بلکه پُل یا گردنه ای است که پهلوان ها نیز در آن می لغزند. با این مبنا، دعوت به روابط آزادتر و کسب تجربه از حلال آنها، خدمتی به جوانان محسوب نمی شود؟ بلکه آنها را از رسیدن به آرامش و ثبات از طریق تشکیل خانواده و وفاداری به آن، دورتر می سازد. آنچه که اسلام به صورت یک توصیه اخلاقی در مورد جامعه مدنی ابراز می دارد، این است که اجتماع مدنی، تا حد ممکن، غیر مختلط باشد. در مدینه النبی شرایطی فراهم گردید که روح آدم ها بال و پر گرفت و جوانان در جوی سرشار از آگاهی و مسئولیت، با داشتن فرصت انتخاب و حق ارضای طبیعی و کنترل غرایز، رشد کردند و خویشتنداری و عفاف، زمینه ساز ظهور چهره های فکری و معنوی برجسته ای در میان آنان گردید. در شرایط مساعد فکری- معنوی که حریم دختر و پسر رعایت شود و جوان، مجال اندیشیدن و انگیزه و امکان به کمال رسیدن داشته باشد، گل های زیبایی همچون یوسف (علیه السلام) و مریم (علیها السلام) می رویند؟ اما در جوامع به اصطلاح "آزاد" به خاطر همه جایی شدن کشش ها و انگیزش های جنسی و خروج روابط جنسی از حریم خانواده (یعنی نظام اخلاقی ارضای این غریزه)، ما کم تر شاهد ظهور چهره های خویشتندار و پاکدامن هستیم. چه لزومی دارد که در جامعه و محافل آموزشی و دانشگاهی و اجتماعات عمومی و در جریان فعالیت ها و تلاش های فردی و اجتماعی، دختران و پسران، به اصطلاح "دوش به دوش" (یعنی عملاً با تداخل حریم های شخصی)، فعالیت های خود را انجام دهند؟ آیا اگر همین تلاش ها با حفظ حد اقلی از فاصله انجام پذیرد، نقصی در کار و اُفتی در فعالیت ها حاصل می شود؟ این یک واقعیت است که در جریان فعالیت های اجتماعی، تداخل قلمروهای شخصی دو جنس، آنها را از کار و تولید و

فعالیت، باز می دارد. و این، در مورد جوانان، بیشتر صادق است؛ چرا که در میان آنها به خاطر قوی تر بودن غریزه و سرعت هیجان، خیلی زود، پای جنسیت به عرصه کار و تولید و تلاش فکری، باز می شود؟ چیزی که در جمع زنان و مردان دارای خانواده و پایبند به آن، کم تر و دیرتر اتفاق می افتد. نگاهی گذرا به پژوهش های روان شناسی - تربیتی و بولتن های " روان شناسی کار " و آنچه هم اکنون در کارخانجات و مدارس و متروهای اروپا و ژاپن و... در حال فراگیر شدن است (یعنی فاصله گذاری مناسب میان دو جنس، بر اساس خواست خود آنها و حتی به مقدار پیشنهادی خودشان)، تأییدی بر مدعای ماست.

معیارهای اخلاقی برای معاشرت

۱ الف) در نگاه

رسول اکرم (ص) به حضرت علی ع فرمود: "ای علی! نگاه اول، برای توست چرا که ابزار شناخت است؛ اما نگاه دوم به زیان توست . ("۲) حقیقت این است که در مناسبات و روابط اجتماعی دختر و پسر، پیشنهاد دین و اصل اخلاقی، ترک نگاه های شهوانی دختر و پسر به یکدیگر و پرهیز از لذت جویی های بی ضابطه و بازی کردن با عواطف یکدیگر است. جوانی که چشمش به جنس مخالف می افتد و احیاناً از وی خوشش می آید، می خواهد که برای بار دوم نیز به وی نگاه کند و لذت ببرد. نوبت اول، چون نگاه غیر عمدی است، مانعی ندارد؟ ولی نوبت دوم، چون به قصد لذت بردن از دیگری و بهره جویی از سرمایه دیگری است، جایز نیست. امام صادق ع فرمود: "نگاه کردن به نامحرم، تیری زهر آگین است که از ناحیه شیطان پرتاب می شود. ("۳) و "چه بسیارند نگاه های کوتاه و لذت های زودگذری که بعدها حسرت ها و تأسف های طولانی در پی خواهند داشت. ("۴) با همه این مرزبندی ها و سفارش های خیرخواهانه، در اسلام، نگاه کردن دختر و پسر به یکدیگر و گفتگوی آنها، چنانچه به قصد خواستگاری و ازدواج (یعنی رفتن به سمت تشکیل کانون خانواده و رسیدن به ثبات و آرامش) باشد، مانعی ندارد.

ب) در پوشش

پوششی که اسلام برای دخترها مقرر کرده است، بدین منظور نیست که جلوی حضور اجتماعی آنان را بگیرد و از خانه بیرون نروند. پوشش دخترها در اسلام، این است که دختر در معاشرت خود با پسران، بدن خود را (به جز صورت و دست ها) بیوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. حقیقت، این است که در مسأله پوشش که در روابط دختران و پسران در جامعه به عنوان یک عامل مؤثر مطرح است، یک پرسش جدی پیش روی ماست: آیا برای خود دختر، بهتر است که پوشیده (به معنای واقعی آن) در اجتماع ظاهر شود، یا نیمه عریان؟ آیا با توجه به احساسات و کششی که دختر و پسر به یکدیگر دارند و با آسیب پذیری جدی عاطفی و محدود بودن قدرت طبیعی دخترها در دفاع از خویش و حریم خویش، باید هر پسری حق داشته باشد که از هر دختری در هر محفلی حداکثر تمتعات را (به جز یک مورد خاص) ببرد یا نه؟ چرا مردان باید آزاد باشند تا همچون کالا به زن بنگرند؟ آیا همین نگرش نیست که نظام خانواده را در غرب، متزلزل کرده است؟ راه حل اسلام با وضع نمودن نوعی مقررات برای پوشش، حفظ سلامت جسم و جان فرد و روح جامعه را تضمین کرده است. به این ترتیب، حجاب زن، حقیقتاً مصونیت بخش و پاسدار حریم اوست. مگر نه این که: «هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد»؟ در آیین اسلام، پسران فقط در موقعی که تشکیل خانواده دادند و آگاهانه انتخاب کردند و مسئولیت پذیرفتند، در کانون گرم و صمیمی خانواده است که می توانند با دختر (به عنوان همسر قانونی خود)، پیوند زناشویی برقرار کنند. قبل از آن، نباید فکر و ذهن هیچ دختر یا پسر جوانی به این موضوع، مشغول باشد و مانع فکر و تحصیل و کارهای زندگی او و دیگران شود. پس می توان گفت که اسلام، نه تنها به دختران و پسران جوان به چشم موجوداتی

خطرناک که باید محدود شوند، نمی نگرد، بلکه حتی غریزه جنسی را نیز در راه تشکیل خانواده و استمرار نسل و آرامش و شادابی (یعنی بهداشت روانی فرد و جامعه) به کار می گیرد. جوان، سرشار از استعدادهاست و غرایز مختلف او (حقیقت جویی، علم خواهی، زیبایی طلبی، آفرینشگری، و...) همگی نیرومندند. کدام انسان خردمندی می پذیرد که تمامی این غرایز، در پای غریزه جنسی قربانی شوند؟ اگر بپذیریم که آزادی روابط دختر و پسر، بهداشت روانی آنها و کل جامعه را به خطر می اندازد و انضباط اخلاقی آنها و کل جامعه را مختل می سازد، ناگزیر باید به سطحی از محدودسازی روابط، تن در دهیم؛ محدودیت هایی که برای افراد سالم جامعه، یک انتخاب عاقلانه اند و برای بیماران هوس، یک اجبار، تا نتوانند آزادانه از دیگران بهره کشی کنند و روح و جسم دیگران را بیازارند. اولین فایده های این روش، امنیت فضای خانواده و اجتماع، ارتقای موقعیت زنان و دختران، شکوفایی استعدادهای مختلف جوانان، و... است که مهم ترین نشانه های "بهداشت روانی، یک جامعه محسوب می شوند و زمینه لازم برای تولیدات فکری و صنعتی و توسعه ابعاد مادی و معنوی جامعه به شمار می رود.

ج) در اندیشه و قلب

نبودن حریم بین دختر و پسر، و آزادی در معاشرت ها، هیجانات و التهاب های جنسی را افزایش می دهد و با خارج کردن میل جنسی از تعادل و مسیر طبیعی اش، آن را به صورت یک عطش روحی و یک خواست سیری ناپذیر و اشباع نشدنی در شکل و تنوع فراوان درمی آورد. غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق و پردامنه است که هرچه انسان به آن میدان بیشتری بدهد، آتش آن، شعله ورتر می گردد و نه خاموش تر. مثل افراد آزمندی که هرچه پول بیشتری به دست بیاورند، حریص تر می شوند. تاریخ از آزمندی های جنسی، بسیار یاد می کند. پادشاهان، از نظر حس تصرف و تملک زیارویان، در هیچ نقطه ای متوقف یا سیراب نده اند. صاحبان حرمسراها، هر روز در پی شکار کردن شکار دیگری برای خود بوده اند. اسلام به قدرت شگرف این غریزه، توجه کامل کرده و هشدارهای زیادی درباره خطرناک بودن نگاه جنسی بی ضابطه و خلوت کردن پسر و دختر با هم و معاشرت های کنترل نشده آنان می دهد و از طرفی تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و برای هر یک از دو جنس، تکلیف ها و مقرراتی معین نموده است. به عنوان نمونه، قرآن کریم می فرماید: "به مردان بگو چشم ها از نگاه ناروا بپوشند و اندام خود را پوشیده دارند و به زنان نیز بگو تاچشم ها از نگاه ناروا باز دارند و اندام خود را بپوشند." ("سوره نور، آیه ۳۱) آیین ما از ما می خواهد که اندیشه مان را هوس آلود نکنیم، خیال گناه را در ذهن خود نپروریم، به نامحرمان خیره نشویم و دزدانه نگاه نکنیم، به قصد لذت های جنسی به نامحرمی ننگریم و با چنین قصدی به معاشرت های اجتماعی قدم نگذاریم.

د) در گفتار

شنیدن صدای دختر برای پسر، در صورتی که قصد لذت بردن و خوش آمدن در کار نباشد، اشکالی ندارد. در عین حال، بر اساس همان اصل «روابط حداقل» که گفتیم، مادام که ضرورتی در کار نباشد، ترک آن، عاقلانه تر است. برای دختر، شایسته نیست که در سخن گفتن با پسری، صدای خود را نازک کند و به نحوی با عشوه و اطوار، سخن بگوید. خدای متعال در قرآن، به زنان می فرماید: "در حرف زدن، صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد" و امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمود: "به دختران جوان، سلام نمی کنم که مبدا پاسخ آنها دلم را به لغزش افکند" (۶)

ه) در رفتار

احتیاط ها و توصیه های دین مبین اسلام، مبنی بر دور نگه داشتن و فاصله داشتن دختران و پسران نامحرم از یکدیگر، صرفاً به

خاطر- حفظ سلامت روحی اجتماعی و پاکی خانواده و عزت و شرف و تعالی آحاد شهروندان است تا حتی برای لحظه ای، فکر آلوده به ذهن پر و دختر عقیف، راه نیابد و افکار آنها مشغول به مسائلی که وقت آن نرسیده است، نشود. روح جوان، فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح انسان، محدود به حد خاصی است و پس از آن آرام می گیرد. همان قدر که انسان از رسیدن به جاه و مقام و ثروت سیر نمی شود، در میل جنسی (سِکس) نیز چنین است. در محیط های آزاد و باز، هیچ پسری از تصاحب زیبارویان و هیچ دختری از توجه کردن سران به خود و تصاحب قلب آنان سیر نمی شود. از طرفی، هوس، در هیچ نقطه ای توقف نمی کند و تقاضای نامحدود انسان، خواه ناخواه، انجام ناشدنی است و امکان برآوردن همه خواسته ها هیچ گاه برای بشر، میسر نیست. دست نیافتن به آرزوها و هوس ها، در جای خود، منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می گردد. به محیط هایی که بی بند و باری در آنها زیاد است، بنگرید. خواهید دید که در آن محیط ها، آمار بیماری های روانی و مشکلات روحی، بالاست. شاید مهم ترین علت، همین آزادی جنسی و تحریکات فراوان روانی است که به وسیله عکس ها، مجلات، فیلم ها و سی دی ها و محافل مختلف تفریحی و حتی در کوچه و خیابان و تبلیغات کالاها و مدها و... دامن زده می شود و غالباً بی پاسخ می ماند؛ چرا که تخلیه جسم و روان از این هیجانات فزاینده، عملاً ممکن نیست و بدین ترتیب، پیری زودرس و روان پریشی و اختلالات روحی دیگر، پیامدهای طبیعی آن فضا هستند.

چرا دخترها بیشتر باید خود را ببوشانند؟

یافته های روان شناسی نشان می دهند که توسل به خودنمایی و خود آرایی، بیشتر در بین دختران رواج دارد. همچنین تجربه بشری نشان می دهد که در تصاحب قلب ها، پسر، شکار است و دختر، شکارچی! همچنان که در تصاحب جسم و وجود مادی، دختر، شکار است و پسر، شکارچی! میل دختر به خود آرایی، از این حس شکارچی گری او ناشی می شود که خداوند برای هدف متعالی "پیوند همسری" در طبیعت و سرشت او نهاده است. کم تر اتفاق افتاده است که پسران، لباس های بدن نما و آرایی های تحریک کننده به کار ببرند. بعضی از دختران، بیشتر به حکم طبیعت خاص خود، می خواهند دلبری کنند و پسر را دلباخته خود سازند. این ویژگی، البته فرصت تفکر و انتخاب عاقلانه را از طرفین می گیرد. بنابراین، می توان گفت که انحراف فرهنگی، از انحراف های مخصوص دختران یا غالب در آنهاست و لذا دستور پوشش هم برای آنان و به اقتضای طبیعت لطیف آنان، سخت گیرانه تر است. کسانی گفته اند که اگر پسران و دختران آزاد باشند، اشباع می شوند و عطش آنها کم تر می شود؛ اما تجربه جوامع گوناگون، نشان داده است که این چنین نیست. مگر چشم چرانی ها و روابط غیر قانونی و خشونت علیه زنان و نا امنی فضاهای اجتماعی برای دختران و... در جوامع آزاد غربی، کم تر شده است؟ جسم سالم و روح زیبا و شخصیت مطلوب اجتماعی، گوهرها و سرمایه های دختران و پسران جوان اند. کدام انسان خردمندی بهترین سرمایه های خویش را در معرض استقاده هر کس و ناکس قرار می دهد؟ علت بیشتر بودن پوشش قانونی دختران در جامعه و فرهنگ ما، منع کامجویی جنسی از آنان است که قطعاً به دوام بیشتر کانون خانواده و صمیمیت و محبت و دلبستگی بیشتر آنها در زندگی مشترک آینده شان خواهد انجامید. دختر و پسری که قبل از ازدواج، عقیفانه تر زیسته اند و ازدواجشان نخستین تجربه آنها در هر گونه رابطه است، خوش بخت تر زندگی می کنند. پس در واقع، دختران، با رعایت حدود پوشش به سلامت زندگی آینده و سالم تر ماندن همسر آینده خود، کمک کرده اند و البته چنین خویشنداری و عفاف از سوی پسران نیز تضمین خوبی برای زندگی آینده خود آنهاست. شاید یک علت این که جوانان امروز در جوامع غربی از ازدواج، گریزان هستند، همین باشد؛ زیرا آنان ازدواج را برای خود، یک محدودیت می دانند و اکثر کامجویی های آنها در غیر محیط خانواده و در غیر کادر رسمی و در جریان معاشرت های آزاد و در محیط هایی غیر از خانه انجام می پذیرد. طبیعی است که برای چنین کسانی، ازدواج، آغاز محرومیت است. برخلاف فرهنگ اسلامی که در آن، ازدواج جوانان، پایان

محرومیت و آغاز یک زندگی نوین و نیز کانون محبت و فضایی برای کمال جویی و پیشرفت دوشادوش است. برای رسیدن به چنین سعادت است که اسلام، به صورتی جدی، مسلمانان را از دوستی با جنس مخالف، نهی می کند.

آیا پوشش دختران، مانع رشد آنها نیست؟

پوشش مطلوب اسلام، برای دختران، مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی و یا اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست. آنچه موجب به هم ریختگی جامعه و فلج شدن نیروهای فعال اجتماع می گردد، آلوده شدن محیط کار و تحصیل و...، با آزاد گذاشتن لذت جویی ها و چشم چرانی های مردان و میدان دادن به عشوہ گری ها و خودنمایی های دختران در محیط عمومی است. اگر در محیط دانشگاه، دختران، خود را به خوبی بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند، بهتر درس می خوانند، فکر می کنند و به سخن استاد گوش می دهند، یا وقتی که در کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده و با وضع نامتناسب (با کلاس و درس)، نشسته باشد؟ انصافاً کدام روش، التهاب را در دختران و پسران، کاهش می دهد و به نفع آنهاست؟ و عقل، کدام را تصدیق می کند؟ آیا اگر پسران ما در خیابان و کوچه و بازار و مدرسه و اداره و کارخانه و... با رفتارهای فریبنده و سخنان و وعده های شعارگونه و غیر واقعی، دائماً در صدد یافتن دختران پاک و ساده و صمیمی جامعه باشند و هر بار، با فرو نشستن عشق های سطحی و خامشان به دیگری رو کنند، آرامش و امنیتی برای دختران ما باقی خواهد ماند؟ به تجربه ثابت شده است که هر محیطی که در آن، رفت و آمد و آمیزش کم تری میان دو جنس بوده و پوشش صحیح و حریم خصوصی افراد رعایت شده، در آن جا، پسرها و دخترها هم احساس آرامش بیشتری داشته اند و هم در کار و تحصیل، موفق تر بوده اند.

عفاف، مصونیت است

تقریباً در تمامی فرهنگ ها و جوامع، دختر، هر اندازه متین تر و با وقارتر و عفیف تر حرکت کند و خود را پوشیده تر نگه دارد و کم تر در معرض تماشای بیگانگان قرار گیرد، بیشتر مورد احترام و ارزش پسر است. حتی افرادی بندهار هم هنگامی که سر عقل می آیند و می خواهند تشکیل خانواده بدهند، برای گزینش همسر، به دنبال دختری پاک و عفیف که تا قبل از آن با هیچ پسری رابطه نداشته باشد، می گردند. اصولاً افراد پاک و عفیف که به عفاف، شناخته شده اند، از دسترس آزاد افراد منحرف و آلوده، به دور هستند. قرآن می فرماید: "رعایت حریم عفاف (در روابط اجتماعی) از سوی زنان، برای این است که به عفاف و پاکی شناخته شوند و از آزار و اذیت بیمارداران، به دور باشند." (سوره احزاب، آیه ۵۹) خودنمایی یا عرضه کردن خود به نامحرمان، از عزت و شکوه دختران می کاهد و علاوه بر آن که زمینه را برای نفوذ افراد آلوده و ارتباط با آنان فراهم می سازد، پسران جوان را که باید مظهر اراده و فعالیت و شجاعت و مردانگی و تصمیم باشند، به افرادی هوسباز، چشم چران و آلوده و بی اراده و ضعیف، تبدیل می کنند. البته اگر دختران در روابط اجتماعی خود در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند و با پوششی مناسب به مدرسه و دانشگاه بروند، قطعاً خودشان هم آرامش روانی بیشتری خواهند داشت و بهتر درس می خوانند. چه قدر خوب است که دختر جوان مسلمان، در اجتماع، آن چنان رفتار کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و به این صفات، شناخته شود. تنها در این صورت است که بیمارداران (که به دنبال شکار می گردند) از او مأیوس می شوند. این، تقریباً یک اصل همیشگی است که پسران ولگرد، به دنبال دختران جلف و سبک و خودنما می گردند. این گونه دختران، گویی وضع لباس و پوشش، راه رفتن و سخن گفتن شان، معنادار است و به زبان بی زبانی می گویند: به من توجه کن! به سوی من نگاه کن، مرا تعقیب کن! و... درحالی که عفاف و رفتار و حرکات سنگین و با وقار دختر دیگر، می فهماند که دست تعرض از این حریم، کوتاه است و هیچ پسری جرأت نمی کند به او تعرض یا بی احترامی کند. دختران خوب جامعه ما، انصاف دهند که آیا حقیقت، جز این

است؟ (۷)

پی نوشت ها:

(۱) سوره بقره، آیه ۱۴۳ (۲) من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۹، ج ۳ (۴۹۷۱) همان، ص ۱۸، ج ۴ (۴۹۶۹) الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹ (۵) سوره احزاب، آیه ۳۲ (۶) الکافی، ج ۲، ص ۶۴۸ (۷) ر. ک. مجله حدیث زندگی: شماره هفت، رضا فرهادیان.

فصل سوم

اشاره

آسیب شناسی روابط دختر و پسر روابط دختر و پسر، دارای آفت و آسیب های روانی و اجتماعی جبران ناپذیری است که به چند نمونه آن در این فصل اشاره می کنیم:

۱- سرکوب شدن استعدادها

یکی از مهم ترین عواملی که با وجود رشد نیروهای جسمی و فکری و روحی نوجوان، مانع از به جریان افتادن صحیح و اصولی آنها و تأمین سعادت آینده او می شود، تسلط میل جنسی بر وجودش می باشد. عدم کنترل این میل، سبب می شود که تمام حواس و توجهات انسان و تمام قوای جسمی و مغزی او معطوف هوس بازی ها شود و اگر عملاً هم موفق به هوس بازی نگردد. تمام فکر و ذهن او به وسیله این خیالات و افکار، اشغال شده و او مجالی برای انجام کار دیگری و شکوفایی اندیشه و استعدادش پیدا نمی کند. این شعله ای که در سراسر وجودش زبانه می کشد، تمام تر و خشکی را با هم می سوزاند و شکوفه های تازه دمیده در گلزار شخصیت معنوی اش را طعمه آتش سوزان می کند. آیت الله سبحانی می گوید: روزی در محضر حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) نشسته بودیم که یکی از پزشکان ترکیه، به دیدار ایشان آمد و سؤال کرد که چرا اسلام، نوشیدن شراب را حرام کرده است؟ آن مرجع بزرگ فرمود: حقیقت انسان را عقل، قدرت اندیشه و تفکر تشکیل می دهد و اگر عقل انسان نبود، وی با دیگر موجودات زنده تفاوتی نداشت و یکی از اموری که در تضاد شدید با قوه عقل انسان است، نوشیدن شراب می باشد؟ همان طور که پزشکان نیز این مطلب را تأیید کرده اند. بنابراین، چون شراب عقل را از بین می برد و حقیقت انسان به عقل اوست، اسلام آن را ممنوع کرده است. آن پزشک به دنبال این پاسخ گفت: درست است که نوشیدن زیاد شراب، باعث از بین رفتن قوه تعقل انسان می شود و حقیقت انسان زیر سؤال می رود، ولی اگر کسی به مقدار کمی از این نوع مایعات بنوشد، نمی توان گفت که چنین تأثیری دارد، پس چرا اسلام آن مقدار اندک را نیز ممنوع کرده و نوشیدن آن را غیر مجاز می داند. آیت الله بروجردی فرمود: چون انسان، کمال طلب است و هرگز به مقدار کم قناعت نمی کند و اگر مجاز شمرده شود، براساس کمال خواهی اش، به تدریج بر خواسته خود می افزاید. به همین جهت است که اسلام از همان ابتدا حتی مقدار اندک آنرا را ممنوع کرده است و به عنوان یک قانون قطعی و دقیق، آن را برای تمام افراد چه با اراده و چه کم اراده، به اجرا گذاشته است و چون این ویژگی یعنی کمال طلبی، در دیگر ابعاد و زمینه ها جاری است، دیگر قوانین و مقررات و دستورالعمل های صادره از طرف قانون گذار هستی، براساس همین نکته شکل گرفته و آن جا که ممکن است زیاده طلبی باعث حریم شکنی شود و به تدریج انسان در وادی هولناک و در معرض خطرات جانی و روحی قرار گیرد، اسلام با جدیت و قاطعیت آن را نهی می کند. (مجله پرسمان، شماره ۶۵) اظهار محبت به جنس مخالف از جمله همین موارد است که با یک سلام و احوال پرسی ساده آغاز می شود و یا به انگیزه اهداف آموزشی و غیره شروع

می شود؟ ولی به تدریج، نوع رابطه و گفت و گو تغییر پیدا کرده، بر میزان و کمیت آن نیز افزوده می شود و تا آن جا پیش می رود که انسان، تمام انرژی عاطفی خود را می خواهد در همین گفت و گوها و ارتباط ها هزینه کند و هرگز به همان حداقلی که در روزهای اول داشته، اکتفا نمی کند و بر همین اساس است که از همان آغاز، باید از ایجاد ارتباط عاطفی و مبتنی بر احساسات اجتناب کرد. بنابراین، ما برای اظهار محبت به جنس مخالف (چه منشأ سوء تفاهم بشود و چه سوء تفاهمی را به دنبال نداشته باشد) دلیل موجه و قابل قبولی را نمی شناسیم و در واقع، اگر هم باعث سوء تفاهم نشود؟ باعث سوء رفتار می شود و به تدریج، دو طرف در گردونه ای وارد می شوند که چه بسا هیچ کدام خواستار آن نبودند؟ گردونه ای که گاهی گردش آن، مستلزم هزینه کردن تمام انرژی روانی و جسمانی فرد و قرار گرفتن در بن بست شدید است. لازم به ذکر است که این سخن، یک ادعای صرف و بدون پشتوانه و دلیل نیست؟ بلکه مراکز مشاوره ای که در سطح دانشگاه ها فعالیت می کنند، نامه های متعددی از جوانان که در چنین دامی قرار گرفته دریافت می کنند. جالب این است که تقاضای کمک و فریادرسی از افرادی است که معمولاً در ابتدای کار، به خود مطمئن بوده اند و تصمیم جدی شان آن بوده که وارد ارتباط احساسی و غیر معقول و از نظر اخلاقی غیر صحیح، نشوند و تنها می خواستند در حد ارتباط عادی و یا به قول شما یک سلام و احوال پرسی و یا اظهار محبت باطنی با طرف مقابل داشته باشند. اکنون نمونه ای از این روابط را از زبان این افراد می شنویم. ۱- دختری ۱۹ ساله ام- تا قبل از ورود به دانشگاه با هیچ پسری ارتباط نداشته ام- خودم در اقوام و فامیل از ماجراهای دوست های خیابانی کاملاً خبر داشتم و همیشه مواظب بودم... کم کم با بچه ها خو گرفتم و سلام و احوال پرسی با آنها برایم عادی شد. آنها هم به ما سلام می کردند، مدتی بعد سلام کردن به پسر ها هم شروع شد... تا این که روزی یکی از آنها گفت ببخشید مدتی است شما را زیر نظر دارم و از اخلاق شما خیلی خوشم آمده، اگر لطف کنید مدتی با هم دوست باشیم- حالم خیلی خراب شد- حدود ۳ ساعت فقط گریه می کردم و افسوس می خوردم که... ۲- یک روز که برای درس خواندن به پارک رفته بودم، قدم زدن های دختر و پسر های جوان، دو به دو با هم، توجه ام را جلب کرد و حواسم حسابی پرت شد. ناگهان تصمیم گرفتم... تصمیم تازه ای گرفته بودم؟ تصمیمی که از آن هراس داشتم و بیشتر از همه می ترسیدم که به خطا و و گناه افتاده باشم... چند هفته ای بود که حتی یک کلمه هم درس نخوانده بودم؟ بی انگیزه و بی حوصله شده بودم... تا این که تصمیم خود را عملی کردم و اکنون چند ماهی است که با دختری رابطه تلفنی دارم... شرایط بد گذشته ام جای خود را به شرایط بدتر امروز داده، زندگی ام آرامش قبلی را ندارد و نمی دانم این وضع تا کجا می خواهد ادامه یابد؟... این دختر اکنون ظاهراً جای خالی همه چیز و همه کس را برایم پر کرده، اما چه فایده که در زندگی بیرون و واقعی من، هیچ جایی برای او نیست. می ترسم که به آلودگی و ناپاکی بیشتر کشیده شوم و کم کم به سوی لجن زار گناه کشیده و در آن غرق شوم. (۱)

۲- افت تحصیلی یا رکود علمی

روابط دختر و پسر باعث می شوند که دو طرف تمام فکر و توجه و تمرکز خود را صرف دیدارها و ملاقات های حضوری و تلفنی خود کنند و این بزرگ ترین مانع برای رشد و ترقی علمی است؟ زیرا تحصیل دانش، نیازمند تمرکز نیروهای فکری و روحی است. دل مشغولی و اضطرابی که بر اثر این گونه پیوندها پدید می آید، بزرگ ترین سد راه تعالی علمی و تحصیلی است. مطالعه و درس، در زندگی هر انسانی، به ویژه در دوران دانش آموزی، از مهم ترین عوامل سازنده شخصیت وی می باشد که فدا کردن آن به خاطر تن دادن به دوستی های احساسی و غیر آگاهانه و پاسخ گویی به خواست های تمام نشدنی بزرگ و رسوا کننده است. تجربه نشان داده که این نوجوانان و جوانان، به علت پریشانی افکار و حواس پرتی، ذوق درس خواندن و اشتیاق هر گونه مطالعه ای را- اعم از کتاب های درسی و غیره درسی- به کلی از دست می دهند. اگر زندگی بزرگان، شخصیت های علمی، محققین، نوایغ و دانشمندان و متفکرین را مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که همه آنان افرادی بوده اند که از خوش گذرانی ها و هوس

بازی خود را کنار کشیده اند و احتیاجات جسمی و غریزی خود را از طریق مشروع و معقول و در حد اعتدال، بر آورده اند. دروغ بزرگی است اگر کسی بگوید: میل جنسی، سراسر وجودش را گرفته و ذهن و زبان او را دوستی های نامطلوب با جنس مخالف فی ساخته، اما از نظر درس، مطالعه و تحقیقات علمی، لطمه اساسی بر او وارد نشده است و به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی، تحقق چنین امری، از محالات است. با شکل گیری روابط عاطفی بین دختر و پسر و افزایش تدریجی آن، زمینه وابستگی آنها به یکدیگر و تشدید آن فراهم می شود و از آن جا که نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن، در دوران جوانی، به اوج خود می رسد و فضای نسبتاً مناسبی برای ارضای این نیاز (هر چند به طور غیر صحیح آن) در محیط آموزشی و دانشگاهی وجود دارد، به شکل خود کار، دختر و پسر در این کانال قرار می گیرند، در اکثر موارد، به طور ناگهانی و بدون توجه به نتیجه کار، گرفتار چنین گردابی می شوند و آن را با عنوان عرف مناسب و موجه، پوشش می دهند و باطن غیر موجه آن را با ظاهری نیکو و پسندیده، جلوه گر می نمایند. به این ترتیب، علاقه ابتدایی شدت یافته، با وجود تصمیم اولیه دو طرف یا یکی از آنها، کم کم به وابستگی به یکدیگر تبدیل می شود. این وابستگی، در بسیاری موارد- شاید- در تمام موارد- افت بزرگی برای تمرکز حواس، تحصیلی و تفکر عمیق در امور درسی آنها می شود؟ به گونه ای که گاهی مطالعه و حضور در کلاس درس را غیر ممکن می سازد و هر کدام از آنها در تمام اوقات شبانه روز و حتی در کلاس درس، در فکر طرف مقابل است. این سخن، ادعای بدون پشتوانه ای نیست و اگر به نوشته های چنین افرادی مراجعه کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می شود.

۳- ایجاد جوبدینی

اغلب این گونه دوستی ها و روابط، به ازدواج منتهی نمی شود و اگر هم به ازدواج بینجامد، پس از مدتی، جوبدینی و سوء ظن آن دو نسبت به هم، فضای زندگی شان را، جهنمی خواهد ساخت و هر دو در آن خواهند سوخت. پسر با خود می گوید: دختری که به راحتی با من رابطه نامطلوب و نامشروع برقرار کرد از اعتقاد و ایمان قوی برخوردار نیست. بنابراین از کجا معلوم که پیش از ارتباط با من، با فرد دیگری هم طرح دوستی نریخته باشد. و از کجا که در آینده و پس از ازدواج با من، با دیگری ارتباط برقرار نکند؟ دختر نیز همین تصور را نسبت به پسر خواهد داشت. بنابراین، این گونه ازدواج ها، پایدار نخواهد بود و تجربه نشان داده که منجر به طلاق و جدایی می گردند. براساس یک یافته پژوهشی در آمریکا، زوج هایی که پیش از ازدواج با یکدیگر زندگی می کنند، زندگی زناشویی آنها با مشکلات فراوانی روبه رو است و منجر به طلاق می شود. به گزارش ایسنا، دکتر "کاترین کوهان" استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا می گوید: طبق آخرین تحقیقات، افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته اند؛ بعد از ازدواج، در حل مشکلات خود عاجزند؛ زیرا که نسبت به یکدیگر بسیار بدبین هستند. کوهان می گوید: طبیعت ارتباطات آزاد این است که زوجین چندان انگیزه ای بر ای حل درگیری ها و حمایت از مهارت های خود ندارند، وی می افزاید: به نظر می رسد ارتباطات این افراد، زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبوده اند، سرد و منجر به طلاق می شود. وی در پایان می گوید: می توانم بگویم رابطه قبل از ازدواج، به هیچ وجه، سبب دوام زندگی زناشویی نمی شود. ("۲") عشق الهی، رام کننده است و عشق مجازی و شهوی، انسان را وحشی می کند. عشق الهی، صبر آور است و عشق مجازی، صبر شکن است. عشق الهی، نیروز است و عشق مجازی، نیروبر است. عشق الهی، خود خواهی بر است و عشق مجازی، خود خواهی زاست. عشق الهی، شادی آور است و عشق مجازی، غم افزاست. عشق الهی، سریان دارد و عاشق الهی، همه پدیده های عالم را جلوه خدا می داند و به همه عشق می ورزد. عشق مجازی، عشق به خواسته های نفسانی خود است. عاشق خدا، از فراق و یاد او، لذت می برد و عاشق غیر خدا، فقط با وصال دل خوش است و فراق، برایش رنج آور است.

۴- اضطراب، تشویش و احساس نگرانی

در دوستی های موجود بین دختران و پسران، از آن جا که مقاومتی بسیار قوی از طرف پدر و مادر یا جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستی ها وجود دارد، این گونه دوستی ها، با مخاطرات روانی گوناگونی، مانند اضطراب و تشویش همراه است. وجود افکار دیگری چون احساس گناه، نگرانی از تهدیداتی که توسط پسر، برای فاش کردن روابطش با دختر صورت می گیرد، یک تعارض درونی و اضطراب مستمر را به دنبال دارد. بنابراین وجود چنین دلهره ها و اضطراب هایی که گاهی لطمه های جبران ناپذیر بر جسم و روان انسان وارد می کند، از آسیب های جدی این گونه روابط است. همچنین هیجانات کاذب، مثل خیال ازدواج، خوش بختی و در نتیجه، شکست روحی، قربانی شدن دختران به خاطر از بین رفتن آبروی آنها و خانواده شان و حتی اقدام به خودکشی از دیگر آسیب های این نوع ارتباط است.

۵- فقدان شناخت درست و واقع بینانه

کسانی که مدعی اند که این گونه روابط و دوستی ها با انگیزه ازدواج شکل می گیرد، با اندکی دقت، در خواهند یافت که روح حاکم بر این گونه دوستی ها، عاقلانه و از سراندیشه نیست، بلکه در آغاز و یا پس از مدتی، تنها عامل ادامه روابط، میل و کشش جنسی خواهد بود. امیرالمؤمنین علی ع می فرماید: "حب الشیء یعمی و یصم، دوست داشتن چیزی (آن هم نا آگاهانه و از سر هیجان و احساسات) انسان را کور و کر می کند." وابستگی هایی که بین دختر و پسر ایجاد می شود، مانع گزیش صحیح و دقیق برای شریک آینده زندگی می شود و از آن جا که دختر یا پسر به فردی خاص وابسته شده، تمام نیکی ها، خوبی ها، زیبایی ها را در فرد مورد علاقه خود می بیند و دیگر توان مشاهده عیوب احتمالی طرف مقابل را ندارند؛ زیرا از روی علاقه و از پشت عینک وابستگی، به طرف مقابل نگاه می کند؟ نه با نگاه خریدار و نه با نگاه نقادانه و بررسی کننده ای که تمام نقاط ضعف و قوت او را در ترازوی حقیقت بین، مورد دقت و مشاهده قرار دهد. دوستی و ارتباط احساسی و غیر عاقلانه قبل از ازدواج، راه عقل را مسدود و چشم واقع بینانه انسان را کور می سازد و اجازه نمی دهد تا یک تصمیم صحیح و پیراسته از اشتباه گرفته شود. این نوع انتخاب ها که در فضایی آکنده از احساسات و عواطف انجام می گیرد، به دلیل نبود شناخت عمیق و واقع بینانه، اگر هم به ازدواج منتهی گردد، زندگی مشترک را تلخ و آینده را تیره و تار می سازد.

۶- محرومیت از ازدواج پاک

هر انسانی در سرشت و نهاد خویش، به دنبال پاکی و نجابت است. دخترانی که در پی روابط آلوده هستند، در حقیقت، پشت پا به سرنوشت خود زنده اند و این امر، باعث می شود که آنان به جرم آلودگی به این روابط، شرایط ازدواج پاک را از دست بدهند و اگر به وسیله این گونه روابط ناسالم، در ازدواج پسران نیز تأخیر ایجاد شود دختران بیش از پسران، در معرض این آسیب قرار می گیرند. روابط دختر و پسر، بیش از آن که مقید باشد، تهدید کننده نهاد خانواده در جامعه به شمار می آید، با نگاهی به آمار می توان دید که آمار طلاق در بین کسانی که قبل از ازدواج، ارتباط های دوستانه داشته اند، بالاتر است. از طرفی آشنایی و ارتباط دختر و پسر در محیط اجتماع، بیشتر از آن که معرفت ساز باشد، فروزنده هوس ها و معرفت سوز است. عمدتاً دیده می شود فرد آن گونه که هست، خود را نشان نمی دهد یا به سبب محبت و عشقی که ایجاد شده نمی تواند عیوب طرف مقابل و جوانب مختلف قضیه را بسنجد بیشتر رفتارها در آشنایی های خیابانی به شکل تصنعی ابراز می شود.

۷- عدم استقبال از تشکیل کانون خانواده

این گونه روابط و دوستی ها، معمولاً به انگیزه تفنن و سرگرمی شکل می گیرد و در خلال آن از خودباوری و زودباوری دختران، سوء استفاده می شود. متأسفانه در بسیاری از موارد، تفاوت عشق و هوس، دیده نمی شود. عشق حقیقی و پاک، با هوس های آلوده و زودگذر، تفاوت جوهری دارد. برخی از این روابط که مبتنی بر هوسرانی و سرگرمی است، پس از مدتی، رو به سردی و افول می نهد، جاذبه و دل رباینها، مربوط به روزها و ماه های اول دوستی است؟ ولی دیری نمی یابد که این روابط، عادی شده، به جدایی می کشد. حس تنوع طلبی انسان از یک طرف و فقدان عامل بازدارنده از طرف دیگر، باعث می شود که برخی سراغ ازدواج و تشکیل خانواده نروند. جامعه ای که از تشکیل کانون خانواده استقبال نکند، هیچ گونه ضمانتی برایش ندارد و شکوفایی فضایل انسانی در آن وجود ندارد. اغلب خوبی ها و کمالات والای انسانی، در پرتو شکل خانواده ای سالم، به فعلیت می رسد.

۸- کم رنگ شدن ارزش های مکتبی و فرهنگ اصیل ایرانی

غرق شدن جوانان در عشق های آن چنانی و دوستی های ناباب، نتیجه اش دوری از معنویات و از دست رفتن ارزش های انسانی و الهی است که، نتیجه اش نابودی سرمایه های انسانی و بهترین فرصت برای رواج فرهنگ بی خدایی و ابتذال غرب و تسلط دشمنان دیرین اسلام و قرآن در کشور است. آیا تجربهء کشور اندلس اسلامی که جوانان را از راه فساد و فحشا، از ارزش های الهی و انسانی تهی کردند و توانستند شکست را بر آنان تحمیل کنند، برای ما کافی نیست؟ آیا می دانیم که چرا دنیای بی خدای غرب و آمریکا، برای رواج ابتذال و تهی سازی جوانان از ارزشهای دینی هزینه های نجومی می کند؟

۹- انحطاط اخلاقی

شکل گیری شخصیت انسان، تابع نوع رفتار کسانی است که با آنها رفت و آمد دارد. بنابراین، نوع دوست در تعیین سرنوشت و ساختن حقیقت انسان، بسیار مهم است. ریشه بسیاری از مقاصد اخلاقی از همین دوستی ها و روابط، ناشی می شود که سبب سقوط انسان در گناه و معصیت می گردد که ما نمونه یارز آن را در جوامع غربی شاهدیم. طبق آمار، در دهه ۱۹۹۰، از هر سه کودک آمریکایی، یکی نامشروع بوده است و از همین روست که انحطاط اخلاقی در غرب، باعث نگرانی شده است. دوستی ها و روابط نامطلوب دختران و پسران، بزرگ ترین مانع رشد و کمال انسانی است. دوستی های غیر صحیح، باعث می گردد که دختران و پسران به صورت ابزاری در آیند که هر روز، تغییراتی در آرایش، پوشش، حرکات و... داشته باشند و این، چیزی جز مشغول شدن به کارهای بی ارزش و دور شدن از هدف اصلی و شناخت خود و شکوفایی شدن به کارهای بر، ارزش و دور شدن از هدف اصلی و شناخت خود و شکوفایی خلاقیت ها و عقب ماندن از قله کمال نیست. در این صورت، انسان به دنبال خواسته های دیگران است و خودش را فراموش می کند. در آستانه بلوغ، شرم و حیا در هر نوجوان عفیفی، مانع از این است که او به طرف مسائل غریزی تنزل کند و با وجود این که در این دوران، هورمون های جنسی شخص را تحریک می کنند و به جنس مخالف متمایل می کنند، اما به جهت همان حجب و حیای فطری، فرد به نوعی احساس حقارت می کند. شخصیت های بزرگ و چهره های ماندگار، کسانی بوده اند که با پاکی و تقوا زیسته اند و هرگز عظمت روحی و شخصیت معنوی خود را در قربانگاه نفس و شهوات، ذبح نکردند؛ اما افسوس که برخی از نوجوانان و جوانان، به جهت ضعف اراده و فقدان تجربه و اطلاعات لازم و با انحطاط و آلودگی محیط زندگی خود و اطرافیان، با تسلیم شدن در برابر طوفان غرایز و شهوات، آن پاکی و معصومیت فطری و ذاتی خویش را از دست می دهد و راه تکامل و سعادت ابدی را به روی خود می بندند. اگر از دیدگاه قرآن کریم، انسان را تعریف کنیم، در خواهیم یافت که روابط دختر و پسر، با عظمت و بزرگی انسان، سازگار نیست. امیرالمؤمنین علی (ع) (به فرزندانش امام مجتبی (ع) فرمود: «نفس خویش را عزیز به شمار و به هیچ پستی و دنائتی، تن مده؛ گرچه عمل پست، تو را به لذت برساند، زیرا هیچ چیز با شرافت نفس،

برابری نمی کند و به جای عزت از دست داده عوضی همانند آن نصیبت نخواهد شد و بندهء دیگران نباش که خداوند، تو را آزاد آفریده است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) همچنین فرمود: کسی که نفس شرافتمند و با عزتی دارد، هرگز آن را با پلیدی گناه خوار و پست نخواهد کرد. (ارشاد القلوب، ص ۱۴۰) شیخ رجبعلی خیاط می گوید: "اگر تو برای خدا قیام کنی، تمام عوالم خلقت، دلیل راه تو هستند؛ چون کمال آنها، در فنای در تو می باشد. آنها می خواهند آن چه را در فطرت دارند، تحویل دهند؛ تا به کمال واقعی برسند و اگر انسان برای خدا قیام کند، همه عوالم وجود سر راه او صف می کشند؛ تا آن چه در خود دارند، به او عرضه کنند و راهنمای او باشند" (کیمیای محبت) امیرالمؤمنین (علی ع) می فرماید: "درد تو، در توست و در مان تو نیز در خود توست. تو گمان می بری که موجود ضعیفی هستی؟ حال آن که راز جهانی بزرگ، در کتاب وجود توست. "امام صادق ع می فرماید: "خداوند، تمام کارهای مؤمن را به خود او واگذار کرده، ولی به او اختیار نداده که خود را خوار و ذلیل کند. "عشق هایی کز پی رنگی بود ز آن که عشق مردگان پاینده نیست ز آن که مرده، سوی ما آینده نیست عشق زنده در روان و در بصر هر دمی باشد زغنچه تازه تر عشق آن زنده گزین که او باقی است کز شراب جان فرایت، ساقی است عشق آن بگزین که جمله انبیا یافتند از عشق او کاروکیا تو مگو ما را بدان شه بار نیست با کریمان کارها دشوار نیست

۱۰- تهدید مهم ترین سرمایه دختر و پسر

دختران و پسران، تا حدی می توانند تشخیص دهند که همسرشان با جنس مخالف ارتباط داشته است یا نه؟ دختران و پسرانی که با گروه مخالف ارتباطی نداشته اند، یک حس خوبی دارند که زندگی مشترک را لذت بخش تر و شیرین تر می کنند؛ اما این حس خوب زنانه و یا مردانه، با روابط عاطفی و غریزی، کشته می شود و آن حس پاک، از بین می رود و شریک زندگی، برای او تازگی ندارد و آن لذتی را که دو همسر پاک از هم می برند، این دو از هم نمی برند و این نکته تا حدی برای آن دو قابل درک است. شخصی می گفت: با زنی ازدواج کردم و پس از دو سال می خواهم از او جدا شوم؟ چون احساس می کنم که من برای زنم هیچ جاذبه ای ندارم و پس از جست و جو فهمیدم که روابط بی حد با پسران- قبل از ازدواج- موجب این بی میلی است و موجب شده که من برای او جاذبه ای نداشته باشم. دختران و پسران نباید به گونه ای رفتار کنند که این حس زیبا، در آنان کشته شود. در یک نظر سنجی از پسران بی شماری پرسیدند: شما مایلید با کدام دسته از دختران ازدواج کنید؟ همه گفتند: مایلیم با دخترانی ازدواج کنیم که با جنس مخالف، ارتباط نداشته اند.

۱۱- احساس گناه

شکی نیست که ما در جامعه ای دینی زندگی می کنیم که اکثریت مردم از آموزه های دینی و اخلاقی متأثر هستند و به آنها احترام می گذارند. گرچه ممکن است هر فردی سال های اول زندگی و نسبت به برخی از دستورات دینی، اطلاع دقیقی نداشته باشد، ولی به طور ناخودآگاه و به تدریج، به بسیاری از هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه دینی، آگاهی پیدا می کند. اظهار محبت و طرح رابطه دوستی با جنس مخالف، از رفتارهایی است که جامعه دینی و ارزشی، آن را نمی پسندد و به آن خرده می گیرد و اگر اندک دقتی در متون دینی و سخنان رهبران دینی صورت گیرد، روشن می شود که ارتباط با جنس مخالف، از چارچوب و قوانینی خاص برخوردار است و آزاد و بدون محدودیت- آن گونه که در جوامع غیردینی شیوع دارد و به عنوان یک ارزش تلقی می شود- نیست بلکه نگاه اسلام به این گونه ارتباط ها منفی است و همه به ویژه جوانانی را که در اوج غریزه جنسی هستند، از ایجاد ارتباط عاطفی و احساسی با جنس مخالف، نهی کرده است. حال اگر به علت عدم آگاهی، غفلت و یا تغافل، در دوره جوانی، فردی مرتکب چنین رفتاری شد، مدت زمان زیادی نمی گذرد که جوان به خود می آید و به گذشته خود می اندیشد و رفتارهای خود را با ملاک ها و

معیارهای اخلاقی و شرعی مقایسه کرده و آنها را محک می زند و یا با قرار گرفتن در موقعیت ها و شرایط زمانی و مکانی معنوی- که بسیار هم پیش می آید- دچار پشیمانی شده و اگر نتواند به درستی از این فضای روانی خارج شود، احساس گناه می کند و این احساس گناه، منشأ بسیار از ناگواری های روحی و روانی می شود. لازم به ذکر است که تجدیدنظر نسبت به اعمال غیرمعقول و غیرمشروع گذشته و پشیمان شدن از آنها و تصمیم بر ترک آنها، امری مقبول و شایسته او بلکه لازم و ضروری است و آن چه به عنوان یک پیامد منطقی در این جا از آن یاد می شود، آن احساس گناه منفی و شدیدی است که بر فضای فکری فرد حاکم شده، توان خارج شدن از آن را در خود نمی بیند و همراه با یأس و ناامیدی مطلق است و توان حرکت به سوی اصلاح و تغییر رفتار را از شخص می گیرد. نکته قابل توجه آن است که آسیب پذیری جوانانی که به ارزش های دینی و اخلاقی احترام می گذارند و به آنها پای بند هستند، بیشتر است و آنان به خاطر آشنایی بیشتری که با دستورات دینی و اخلاقی دارند، بیشتر در معرض احساس گناه شدید و پیامدهای منفی آن قرار می گیرند.

۱۲- خیانت به همسر آینده

اغلب دختر و پسرهایی که با هم ارتباط دارند و به طور نامشروع به برخی از نیازهای روانی و جسمانی شان پاسخ می دهند، با هم ازدواج نمی کنند و پس از پایان دوره ای که با هم مرتبط بودند، با شخص دیگری ازدواج می کنند و این، خیانتی به همسر آینده شان می باشد، همه سرمایه های جسمی، روانی و معنوی دختران و پسران، از آن همسر آینده شان است و آنان حق ندارند برای افراد دیگری که از سر فریب و تفنن با او دوست شده اند این سرمایه را هزینه کنند؛ اما متأسفانه برخی این خیانت را مرتکب می شوند و با ارتباط نامشروع با دیگران، حقوق همسر آینده خویش را از بین می برند که این عمل، کانون گرم خانواده را در معرض تهدید قرار می دهد. (۳)

پی نوشت ها:

(۱) بلوغ: احمد صبور اردو آبادی: ص ۸۰ (۲) روزنامه جمهوری: ش ۶۵۷۱، ص ۳۵ (۳) ر. ک. ماهنامه پرسمان: شماره ۶۵

فصل چهارم

اشاره

روابط دختر و پسر زمینه ساز فرار از خانه

در تمامی سنتها و اقوام، ارتباط بین زن و مرد بیگانه، کم و بیش نابهنجار و غیر متعارف قلمداد می شود. باید گفت: غیر از فرهنگ منحرف غرب در دهه های اخیر، از اقوام باستانی گرفته تا ادیان گوناگون و جوامع بشری امروزی، هر کدام قوانین و ضوابطی را برای ارتباط بین زن و مرد غریبه در نظر می گیرند و تعامل خارج از آن ضوابط را ممنوع می دانند.

اشاره

دین مبین اسلام که کاملترین و جامع ترین دین است، در این زمینه از همه مکتهها و ادیان، دقیق تر و حساس تر عمل می کند؛ زیرا بر این باور است که روابط بین دو جنس مخالف باید در چارچوب خانواده باشد و اگر از این چارچوب و ضوابط خارج شود، سبب انحراف اخلاقی و در نتیجه فساد فردی و اجتماعی خواهد شد. البته این سخن بدین معنا نیست که هیچ زنی حق صحبت کردن با

مرد نامحرم را ندارد، بلکه این سخن در مواردی است که رابطه زن و مرد بیگانه از روابط عادی خارج شود و به سوی دوستی و گفتگوهای طولانی کشیده شود که اسلام هرگز چنین روابطی را بین زن و مرد نامحرم اجازه نمی دهد. به عبارت دیگر، چون ارتباط و دوستی با جنس مخالف می تواند موجب بروز فساد شود، اسلام چنین ارتباطی را نمی پذیرد و فرهنگ و عرف جامعه اسلامی تنها زمانی اجازه رفت و آمد و همراهی دو فرد از جنس مخالف را می دهد که آن دو تحت ضوابط و عقد شرعی محرم باشند و این محرمیت نیز با نظارت و اذن ولی دختر صورت گرفته باشد. بنابراین همه دوستی های خیابانی میان دختر و پسر، نامه دادن ها گفتگوهای تلفنی و مانند آن، چه از نظر عرفی و چه از نظر عقل و شرع، صحیح نیست و خلاف محسوب می شود. آمارها نشان می دهد که بیشتر دوستی ها میان دختر و پسر، سرانجام خوشی نداشته است؛ چرا که دختر، شاید با عقیده و اندیشه ها، آروزها و رویاهایش با پسری دوست می شود و با خود می اندیشد که او عاشق من است و از صمیم دل به من علاقه دارد و مرا خوشبخت خواهد کرد و یا می پندارد پسری که به او ابراز علاقه کرده، همان فرد ایده آل اوست. غافل از اینکه که پسر فقط برای ارضای شهوات و خوش گذرانی به او محبت می کند و پس از مدتی او را رها خواهد کرد. چه بسا افرادی که با شش یا هفت دختر دوستی برقرار کرده اند! آیا به همه آنان عشق می ورزند؟! اگر پسری هم از روی صداقت با دختری دوست شود، معلوم نیست آیا ویژگی های اخلاقی و دینی و خانوادگی مناسبی دارد یا نه؟! آن چه از آمارها به دست آمده نشان می دهد، که فقط چار درصد دوستیهای میان دختر و پسر به ازدواج منتهی می شود. که البته بیشتر همین چهار درصد هم ازدواج شان به طلاق کشیده می شود. تعداد اندکی که بر پایه دوستی های خیابانی زندگی مشترک تشکیل داده اند، تا یکی دو سال احساس خوشبختی کرده اند، ولی در نهایت، در پیچ و خم زندگی به کاستی های یکدیگر پی برده و این نکته را دریافته اند که: ازدواجی که فقط بر پایه عشقی سطحی صورت گیرد، چنین پیامدهایی دارد؟ چرا که علاقه به همدیگر و شدت محبت در آغاز دوستی به آنان اجازه نمی دهد تا عیبهای یکدیگر را ببینند. در نتیجه هر کدام دیگری را برای خود فردی ایده آل می بیند. ولی پس از مدتی که از ازدواج گذشت، و کمبودها و مشکلات اخلاقی دو طرف ظاهر شد، نتیجه ای جز طلاق نمی بینند. این ها گوشه ای از مسائل و مشکلات دوستی با جنس مخالف است که البته پیامدهایی چون، کشیده شدن به باندهای فساد، اعتیاد، دزدی، جنایت، ایدز و... را نباید فراموش کرد. بررسی ها نشان می دهد که یکی از مهم ترین عوامل فرار دختران از خانه، دوستی و علاقه جنس مخالف است. بیشتر دختران فراری به داشتن رابطه با جنس مخالف اعتراف می کنند. تحقیقات نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد دختران فراری پیش از فرار، دوست پسر داشته اند و بیشتر این دختران به وسیله همین دوستان جنس مخالف، همراه شده اند و دست به فرار زده اند. شگفت اینجاست که دختران فراری و گرفتار، یا نام واقعی دوست پسر خود را نمی دانند یا اگر هم می دانند به خیال خود برای وفاداری نام او را فاش نمی کنند و در خیال واهی خود، بر این باورند که دوست پسرشان به سراغ آنان خواهد آمد. علاوه بر این مطلب، تعدادی از دختران فراری هم به اشتباه خود پی برده اند و تباه شدن و بی آبرویی خود را به سبب ارتباط با دوستان پسر خود می دانند و علت فرارشان را وعده های پوچ دوستان پسرشان بیان می کنند. نا گفته نماند که بیشتر دختران، برای نخستین بار به صورت مستقیم با پسر ها ارتباط برقرار نکرده اند. و ایجاد ارتباط آنان با پسر ها به یکی از روشهای زیر می باشد. (۱) معرفی شدن به وسیله یکی از دوستان همجنس به یک پسر. (۲) معرفی از سوی بعضی از زنان فامیل یا همسایه. (۳) تحت فشار و تحقیر دوستان مبنی بر ناتوانی در جلب نظر یک پسر و همسان سازی با همسالان. بنابراین، این نکته را نباید فراموش کرد که معمولاً دختران نوجوان به خودی خود دست به انتخاب دوست پسر نمی زنند، بلکه از سوی بعضی از دوستان و هم سالان تحریک یا ترغیب می شوند و این اهمیت تاثیر الگوها و هم سالان را نشان می دهد. برای اثبات این ادعا به چند نمونه حقیقی اشاره می کنیم:

۱- رؤیا دختری ۱۶ ساله است که به همراه دوست پسر خود از یکی از شهرستانها به تهران آمده، و در ترمینال جنوب تنها و بی سر پناه دستگیر شده است.

از او می پرسم که برای چه به تهران آمدمی؟ می گوید: با نامزدم آمدم تهران عقد کنیم و با هم کار کنیم و زندگی خوبی را درست کنیم، می گویم: از نامزدت خبر داری؟ می دونی الان کجاست؟ در حالی که گریه می کند و اشکهایش آرام و قطره قطره روی گونه هایش می ریزد، می گوید: چند روز پیش که با عمه ام تلفنی صحبت می کردم، می گفت که با دختر خاله اش عقد کرده و قرار است چند ماه دیگر عروسی کنند. می گویم: پس معلوم می شود که چندان هم به تو علاقه نداشته، شانه هایش را بالا می اندازد و پاسخی نمی دهد. می گویم: چطور با هم آشنا شدید؟ می گوید: یک بار که به خانه عمه ام رفته بودم با دوست عمه ام آشنا شدم و پس از چند بار که او را دیدم، مرا به خانه اش دعوت کرد و در خانه آنها با بهروز آشنا شدم و به هم علاقه مند شدیم و قرار فرار و ازدواج گذاشتیم.

۲- فریبا با وجود عقد کردن با پسر خاله اش، به هنگام گردش با چند پسر دستگیر شده است. او چندین بار با یکی از دوست پسرهایش مرتکب عمل نامشروع شده است به او می گویم: تو که عقد کرده بودی، چرا با دیگران دوست شدی و چرا دست به این اعمال نامشروع زدی؟ می گوید: پسر خاله ام به درد نمی خورد. می گویم: از کجا می دانی؟ می گوید: او فقط سرش مشغول کار است، از دنیا و لذتهایش چیزی سرش نمی شود.

می گویم: خُب از اول با اون عقد نمی کردی یا وقتی فهمیدی، طلاق می گرفتی. دیگر چرا تن به عمل نامشروع با آن پسر دادی؟ می گوید: اولش نمی فهمیدم توی دنیا چه می گذرد. خبر بودم. بعد که توسط سمانه با افشین آشنا شدم، فهمیدم توی دنیا چه خبره و من چقدر احمق بودم که با یک پسر پاپتی عقد کرده ام. می گویم: افشین الان کجاست؟ از اون خبر داری؟ می گوید: زرنگی می خواهی جایش را بفهمید تا دستگیرش کنید. می گویم: من که پلیس نیستم. راستش را بگو اصلا می دونی کجاست یا نه؟ گریه اش می گیرد و می گوید: نمی دونم، مخفی شده، فرار کرده، نمی دونم کدوم گوریه و... سمانه چند بار رفته در خانه شان، من هم دو بار زنگ زده ام که پدرم و بهزیستی موافقت کرده اند که مرا به عقد او در آورند، ولی افشین خودش را آفتابی نمی کند و اصلا از او خبری ندارم. (۱)

یک پرسش اساسی

به راستی از یک دختر جوان سؤال می کنیم: پسری که در خیابان و کوچه یا در جشنها و مهمانی ها با چشم چرانی فراوان شما را پیدا کرده، و با سلام، نامه یا تلفنی با شما ارتباط برقرار نمود. و به هر طریق ممکن از شما دلبری کرده، چگونه مورد اعتماد و اطمینان شما قرار می گیرد؟ چرا پس از مدتی با چرب زبانیها و وعده های پوچ تمام دل و جان خود را در اختیار او قرار می دهی و مطیع و فرمانبردار او می شوی؟ از خود پرسیده ای چه تضمینی وجود دارد که با شما ازدواج کند؟ و در آخر، بر فرض آن که این گونه روابط و آشناییها زمینه ای شد برای ازدواج و ازدواج هم کردید. از کجا می دانید که بعد از شما با هزاران مثل شما رابطه ای برقرار نکند و از دختران دیگری بعد از شما دلبری و دلربایی ننماید؟ پسری که عادت به چشم چرانی کرده و هر روز دختر بیچاره ای را فدای هوسرانیها و شهوترانیهای خود می کند (دیگر به قول خودش تنوع طلب شده) نمی تواند با یک دختر نجیب و سالم یک زندگی دائمی و زیبا را سرپرستی کند؟ به عبارت دیگر نمی تواند شوهر خوبی برای آینده شما باشد؟ چرا که او دیگر در دام چشم چرانی و تنوع طلبی اسیر شده است.

ارزش های والای خود را فراموش نکنیم

چه زیباست که دختر مسلمان ایرانی با کنار گذاشتن الگوهای غربی، خودش را بیابد و به ارزش والای خود واقف گردد و ببیند در

دین اسلام به گوهر وجودی زن و دختر مسلمان چه بهایی داده شده است. شارع مقدس بالاترین ارزشها را برای همسری و مادری زن قائل می شود. چنانکه پیامبر! بهشت برین را زیر پای مادران می داند و بوسیدن پای این فرشته های آسمانی- مادران- را مثل بوسیدن خانه خدا معرفی می کند و نگاه محبت آمیز فرزندان به صورت او را در زمره عبادات برمی شمرد. با این همه ارزشها و منزلتها و جایگاه بلندی که یک دختر مسلمان می تواند داشته باشد، چرا بدون توجه به عظمت و ارزش والای خود بعضاً خویشان را همچون کالایی پر زرق و برق در کوچه و بازار و خیابان عرضه کند و گوهر گرانبهائی را به بهای اندک هوس بفروشد و همه هستیش را در تندباد هوا و هوس از دست بدهد، و جوانی و طراوت خویش را در مستی دوری از خدا بگذراند و بقیه عمر را در حسرت و اندوه از دست دادن جوانی و پاکدامنی در ندامت و پشیمانی سپری بکند. چه خوب بود اگر دختران و پسران با پدر و مادر روابطی نزدیک و دوستانه برقرار می کردند، آنچنان که در تمام نیازها و مشکلات به آنها رجوع می کردند و از آنها صمیمانه ترین یاری ها را می طلبیدند. همانطور که برای درخواست غذا و پوشاک شرمساری و خجالت در کار نیست برای درخواست طلب همسر و ابراز نیاز روحی به جنس مخالف و ازدواج با او، نیز شرمساری و خجالت و پنهان کاری در کار نباشد. پدر و مادر نیز همان گونه که برای تأمین نیازهای مادی فرزندان تلاش می کنند و حاضرند برای تأمین پوشاک و خوراک و مسکن فرزندان، شغل های متعددی را برگزینند و مراقتها و سختیها را به تن بخرند، باید تلاش کنند تا نیازهای روحی و عاطفی دلبندانشان را نیز فراهم آورند تا دختران و پسران هنگام نیاز به جنس مخالف با راهنمایی های دوستانه پدر و مادر به دور از مخفی کاری و خود سری و با پرهیز از هرگونه تجملات و زیاده خواهی زیر سایه دین و تحت حمایت های مادی و معنوی پدر و مادر ازدواج کنند و با عشق و علاقه به یکدیگر در زندگی زناشویی، نگهبان بقای خانواده و موجب پاکدامنی و پرهیزکاری هم شوند. پدران و مادران برای جلوگیری از دوستی های نامشروع و مخرب فرزندان باید نکات زیر را رعایت نمایند: ۱- ایجاد روابطی بسیار دوستانه و نزدیک بین خود و فرزندان. ۲- آگاهی دادن به فرزندان و تبیین مفاسد و عواقب شوم داشتن دوست از جنس مخالف. ۳- درک نیازهای روحی و عاطفی فرزندان و تلاش برای برآورده کردن آن. ۴- فرهنگ نمودن ازدواجهای آسان و به دور از تجملات و زیاده خواهی. (۲)

پی نوشت ها

(۱) ر. ک. خانه گریزی دختران: رضا مهکام. (۲) مقاله «دوستی با جنس مخالف»: سید محمد سقازاده.

فصل پنجم

اشاره

روابط دختر و پسر در دانشگاهها

مباحث این فصل را در پاسخ به سه پرسش اصلی خلاصه می کنیم:

اشاره

(۱) آیا صرف دوست داشتن دختر و پسر، آن ها را محرم می کند؟ (۲) روابط دختر و پسر در دانشگاه ها ناشی از چیست؟ (۳) وظیفه و مسؤولیت ما در این موقعیت چیست و چه باید کرد؟ در پاسخ به سوال اول باید یاد آور شد آنچه سبب ایجاد پیوند زناشویی می شود، خواندن صیغه عقد از سوی زن و مرد یا وکلای آن ها و با اجازه اولیای آن ها و حفظ شرایط آن است؛ در غیر این صورت،

سببی برای ایجاد زوجیت و محرمیت زناشویی وجود ندارد. صرف دوست داشتن متقابل دو نفر، مجوزی برای محرم شدن آن‌ها نیست. معمولی دوستی‌های قبل از ازدواج برای کامیابی‌های جنسی و در اثر غلبه شهوات صورت می‌گیرد؛ نخستین چیزی که در این گونه روابط از دست می‌رود گوهر ارزشمند عفاف و پاکی است و باید از چنین روابطی که بدون هیچ گونه عقد رسمی یا صیغه و بدون اطلاع خانواده‌ها به بهانه شناخت بیش‌تر صورت می‌گیرد، جداً پرهیز کرد. بنابراین، پاسخ سؤال اول منفی است. در پاسخ به سؤال دوم به عواملی چند می‌توان اشاره کرد:

۱. عدم ارضای صحیح غریزه جنسی

بی‌تردید ایام جوانی، ایام بیداری غریزه جنسی و گرایش به جنس مخالف است. در این ایام شوق جنسی و احساسات بر روان آدمی سایه می‌افکند؟ ناخودآگاه رفتار، سخن و نگاه جوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب تحریک پذیری وی در برخورد با جنس مخالف می‌شود. طبیعی است این نیاز درونی باید به طور صحیح و مطلوب ارضاء و تأمین شود. راه قابل قبول آن نیز ازدواج است؟ ولی متأسفانه به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی - نظیر بالا رفتن سطح انتظارت و توقعات خانواده‌ها و توجه به برخی تشریفات غیر لازم، معضل اشتغال و آینده شغلی جوانان، ادامه تحصیل آن‌ها و عدم وجود امکانات و شرایط مالی مناسب برخی خانواده‌ها - سن ازدواج دختران و پسران افزایش یافته و در نتیجه ارضا و تأمین عاقلانه و صحیح این غریزه سرکش، به خصوص در دوران جوانی، به انحراف کشیده شده است. بنابراین، این گونه رفتارهای نابهنجار در جامعه دینی و سنتی ما روبه فزونی است و اگر نگوییم به یک بحران اجتماعی تبدیل شده، دست کم می‌توان آن را یک معضل اجتماعی نامید. متأسفانه ساختار اجتماعی ما تا کنون نتوانسته با فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان از گسترش این رفتارهای نادرست پیشگیری کند.

۲. احساس نیاز به محبت

در این سنین جوانان، خواهان روابط دوستانه و هم‌سخن شدن با یکدیگرند. اریکسون، یکی از روان‌شناسان غرب، می‌گوید: جوان در این مرحله می‌خواهد روابط دوستانه نزدیکی با دیگران پیدا کند؛ ارزشمندترین و مهم‌ترین هستی و دارایی‌اش را به فردی دیگر هدیه دهد؛ در پی یافتن هویتی جدید است و گمان می‌کند خانواده و والدین نمی‌توانند از وی حمایت کنند. بنابراین، اگر این نیاز در محیط خانوادگی به خوبی تأمین نشود یا لطمه ببیند و مخدوش شود، نیاز به محبت و ابراز محبت و برقراری ارتباط دوستانه‌اش دچار اختلاف خواهد شد؛ به عبارت دیگر، دختر و پسر که عواطف و احساساتشان در درون خانواده ارضا نشود و در جمع خانوادگی احساس غربت و تنهایی کنند، در فضای باز و آزاد جامعه، طعمه افراد فرصت طلب و سودجو میشوند؟ به راحتی در دام افراد شیاد می‌افتند یا حداقل میل متقابل آن‌ها و جنس مخالف سبب می‌شود آن‌ها به بهانه‌های مختلف از قبیل آشنایی برای ازدواج و تبادل نظر درباره مسائل علمی و درسی آگاهانه یا ناخودآگاه در جهت تأمین و ارضای این نیازشان گام بردارند؟ البته با روشی غلط و غیر قابل قبول که مشاهده‌اش شما را می‌رنجاند. الگو گرفتن از منابع غیر خودی متأسفانه بخش قابل توجهی از جوانان ما ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خود را از محیط‌های غیر خودی و غیر اصیل جوامع دیگر می‌گیرند. بی‌تردید گسترش ارتباطات اجتماعی و توسعه آن و نیز گسترش و توسعه تکنولوژی و وسائل ارتباط جمعی و "پدیده جهانی شدن در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ..." در این خودباختگی و روی آوردن به فرهنگ بیگانه نقش اساسی دارد. این امور سبب می‌شود جوانان فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگر جوامع را الگو قرار دهند و به گمان این که این گونه روابط، عامل رشد و نشانه کمال و جرأت و وسیله ابراز شخصیت است، به آن روی آورند. در این میان، مسأله رقابت جوانان و به رخ کشیدن خود برای همسالان نقشی عمده ایفا می‌کند. برخی برای این که در جمع دوستان مورد تحسین قرار گیرند و یا دست کم بی‌عرضه و بی

جرات خوانده نشوند، به دنبال دوست پسر یا دوست دختر می گردند و با آن که به خوبی از عواقب سوء این کارها آگاهند، از آن دست نمی کشند. اما در پاسخ به سوال سوم شما و این که در وضعیت حاضر، در برابر چنین معضل اجتماعی چه باید کرد؟ به نظر می رسد باید متناسب باعلل به وجود آورنده و عوامل گسترش دهنده این مشکل اقداماتی درخور انجام داد. بخشی از اقدامات سودمند در این مسأله عبارت است از: الف) ارضای صحیح و مشروع این غریزه، معقول ترین راه برای نجات یافتن از این گونه رفتارهای نابهنجار یا کج روانه است. ویل دورانت، دانشمند معروف مغرب زمین، درباره ازدواج می نویسد: "اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال های طبیعی انجام گیرد، بیماری های روانی و انحرافات جنسی که زندگی را لکه دار کرده است تا نصف تقلیل خواهد یافت." شاید به همین جهت است که در آموزه های دینی مان تسریع در ازدواج فرزندان و جوانان مورد تأکید قرار گرفته است. این دستورها و تشویق ها گویای آن است که می توان با ازدواج از بسیاری انحرافات اخلاقی و جنسی و روانی ناسالم و غیر مشروع دو جنس پیشگیری کرد. البته این موضوع به تلاش همگانی خانواده ها و مسئولان و اصلاح نگرش ها و آداب و رسوم نادرست و فراهم کردن تسهیلات و امکانات ازدواج بستگی دارد و همه افراد، خانواده ها و حکومت وظیفه دارند در مسیر تحقق مقدمات ازدواج جوانان بکوشند. ب) تحکیم روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مثبت بین والدین و فرزندان و افزایش رابطه صمیمانه و نزدیک بین اعضای خانواده عامل پیشگیرانه دیگری است که می تواند در ایجاد احساس امنیت و آرامش و تأمین نیاز عاطفی نقش مؤثری داشته باشد. زیرا وقتی جوانان در خانه با محبت و توجه کافی روبه رو نشوند، این محبت و رابطه عاطفی را در بیرون خانه جست و جو می کنند و متناسب با دوران بلوغ و اوجگیری احساسات غریزی، رابطه خود را با جنس مخالف توسعه می دهند. بنابراین، نیاز به محبت در دوره جوانی را باید با گسترش روابط عاطفی خانوادگی و نیز گسترش رابطه صمیمانه و دوستانه بین همسالان هم جنس تأمین کرد و {با} یافتن دوستان مناسب و ایجاد ارتباطات گرم و عاطفی و انجام برخی فعالیت های دسته جمعی به این نیاز درونی پاسخ مثبت داد. ج) خود کنترلی؛ خود کنترلی می تواند جوانان جویای رشد و کمال و عفت و پاکی همچون شما را در این فضای آلوده حفظ کند. با کنترل چشم، گوش و دیگر حواس و نیز کنترل افکاری که در این زمینه شکل می گیرد، می توان از تأثیر گذاری روابط ناسالم دیگران تا حدود زیادی جلوگیری کرد. مطمئناً هر چه بیش تر ذهن و حواس خود را در این زمینه مشغول سازیم، بیشتر تأثیرپذیر خواهیم بود. پس بهتر است اوقات فراغت خود را با برنامه ریزی صحیح پر کنید و با پرهیز از بیکاری و تنهایی و توجه به این صحنه ها، به وظیفه اصلی و مهم دوران دانشجویی که همان تحصیل علم است، پردازید. در پایان باید یادآور شد، برخی از عزیزان و جوانان از اشتباه بودن یا عدم مشروعیت بعضی ارتباط های خود آگاهی ندارند. برخورد روشنگرانه و با عاطفه ما می تواند به اصلاح و تغییر رفتار آن ها انجامد. قطعاً حسن سلوک و رفتار شما در بیان این موضوع به آن ها نقشی تعیین کننده دارد. کتاب "جوانان و روابط"، نوشته ابوالقاسم مقیمی حاجی از انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم می تواند را هنمای خوبی در این زمینه باشد. کتاب دیگری که در این زمینه سودمند می نماید، "تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران"، نوشته علی اصغر احمدی است که به وسیله سازمان انجمن اولیا و مربیان منتشر شده است.

(۱)

پی نوشت:

(۱) ر. ک. ماهنامه پرسمان، اردیبهشت ۱۳۸۲ (محمدرضا احمدی)

فصل ششم

اشاره

تحلیلی بر روابط دختر و پسر با نگاهی به متون اسلامی از آن جا که تعداد زیادی از افراد جامعه ی اسلامی ما را جوانان تشکیل می دهند، دشمنان اسلام، باتهاجم فرهنگی و توطئه های گوناگون، جوانان را مورد هدف قرار داده اند تا بتوانند با سرگرم کردن ایشان به مسائل پوچ و بی اساس، نشاط و کارآمدی آنان را از بین ببرند و کشور را از این سرمایه های گران بها محروم نمایند. مسأله ارتباط دختر و پسر نیز، به گونه ای که در جامعه ما مطرح است، بی ارتباط با مطالب یاد شده نیست البته این مسأله از زوایای مختلفی قابل ارزیابی است که در آغاز این بحث، به دو نکته مهم آن اشاره می کنیم:

نکته اول: ایام جوانی دوره شور احساسات، شوق جنسی و نشاط جسمی است. با بیدار شدن قوای مختلف جسمی، توجه به مسائل عاطفی و جذابیت های ظاهری جنس مخالف زیادتر می شود. این بلوغ طبیعی، در پیدایش دوستی ها و روابط دختر و پسر تأثیر به سزایی دارد.

نکته دوم: همه ما معتقدیم که انسان موفق کسی است که اهداف مشخصی در زندگی داشته باشد و برای رسیدن به آن برنامه ریزی نماید و راه مناسب را انتخاب کند. یک جوان نیز، باید سعی کند راهی را انتخاب نماید که او را به یک زندگی مطلوب ایده آل و سرشار از آرامش، کمال و شادی برساند.

انسان دارای نیازمندی های روحی و جسمی بسیاری است و برای رسیدن به تکامل و آرامش باید به هر دو بعد مادی و معنوی خود پردازد؟ از طرفی دین اسلام دارای مجموعه قوانین کامل و جامعی است که به همه نیازمندی های انسان توجه نموده و در تعالیم خود، مصالح عمومی و سعادت دنیا و آخرت را مدنظر قرار داده است. بر این اساس، اسلام برای پاس داری از حریم پاکی و جلوگیری از انحرافات، رعایت ضوابطی را در روابط دختر و پسر ضروری دانسته و آزادی مطلق و بدون حساب و دوستی ها و عشق بازی های مصطلح امروزی را ناپسند و مردود شمرده است. اسلام صحبت کردن زن و مرد را در موارد ضروری و در جریان رسیدگی به کارهای روزمره زندگی حرام ندانسته است؛ اما برای پیش گیری از پیامدهای سوء احتمالی، آنان را از این گونه روابط برحذر داشته است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: **إِ قَلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقَلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا** "به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند! این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است؛ و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند." (۱) در این آیه به صراحت دستور داده شده است که زن و مرد نامحرم به یکدیگر نگاه نکنند و از نگاه های هوس آلود پرهیز نمایند. به راستی، اگر به این آیه مبارکه عمل شود و دختر و پسر نامحرم از ابتدا به یکدیگر توجه ننمایند و به هم نگاه نکنند، آیا دوستی ها و عشق های خیابانی به وجود می آید؟ حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: **نَعَمْ صَارَفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ؟** چشم پوشی از نگاه، بهترین عامل بازداری از شهوت است. (۲) هم چنین، خداوند در قرآن خطاب به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: **فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا** (۳) "به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید تا بیمار دلی در شما طمع نکند، و به گونه ای شایسته و معمولی سخن بگوئید." به راستی، آیا روابط میان دختران و پسران جوان، با آن میل و کشش جنسی که طبیعت سن جوانی است، از نگاه های آلوده و صحبت های هوس انگیز خالی و مبرا است؟ آیا با در نظر گرفتن این کلام صریح الهی می توان حکم جواز این گونه روابط را صادر نمود؟ شاید عده ای مدعی باشند که ارتباطی مورد نظر ماست که از این مسائل به دور باشد. در پاسخ اینان باید گفت: اصرار و تاکید فراوانی که امروزه بر این روابط می شود، شاهدی است بر این که انگیزه دیگری، هر چند غیر مستقیم و مخفی، در این کار موجود است؟ لذا ممکن است روابطی ایجاد شود که در ابتدا ظاهراً عاری از این گونه مسائل باشد، اما از آن جا که سن جوانی اوج

کشش جنسی و عاطفی است، به تدریج و برطبق طبیعت بشری، این روابط، آلوده به نگاه ها، صحبت ها و رفتارهای هوس آلود می شود. علامه مجلسی در ضمن حدیثی نقل می کند: "کسی که به حرام دستش را به دست زنی برساند، چون به صحرای محشر در آید، دستش بسته باشد؟ و کسی که با زنان نامحرم، خوش طبعی، شوخی و مزاح کند، خداوند در عوض هر کلمه، هزار سال او را در محشر حبس می کند؟ و اگر زنی راضی شود که مردی به حرام او را در آغوش بگیرد، ببوسد یا به حرام با او ملاقات نماید و یا با او خوش طبعی و شوخی کند، بر آن نیز گناهی همانند آن مرد است. (۴) حال، قضاوت به عهده خواننده محترم است که تشخیص دهد آیا دوستی های تلفنی، رفت و آمدها و روابط میان دختر و پسر مشمول این آیات و روایات می شود یا خیر؟ آیا باز هم می توان ادعا نمود که این روابط بدون اشکال است؟ نکته دیگری که وجود دارد این است که بعضی افراد این روابط را بدین صورت توجیه می کنند که "برای ازدواج، شناخت کامل لازم است و شناخت، بدون ارتباط ممکن نیست" در پاسخ باید گفت: بدون تردید، دختر و پسر باید با دیدی باز و با شناختی کامل از استعدادها و خصوصیات اخلاقی و فرهنگی یکدیگر، زندگی مشترک را شروع نمایند، تا در فراز و نشیب های زندگی هم راز و هم دل یکدیگر باشند؟ اما شناختی کامل و دقیق است که با عقل و خرد و ارزیابی صحیح طرفین به دست آمده باشد؟ لذا باید سعی کنیم از پیش داوری و قضاوت درباره دیگران جداً پرهیزیم؟ زیرا وقتی به کسی علاقه وافری داشته باشیم ضعف های او را نمی بینیم و اگر از ابتدا نگرش منفی درباره فردی داشته باشیم، خوبی هایش را در نظر نمی گیریم بسیار روشن است که با دوستی ها و روابط خیابانی و تلفنی دختر و پسر که زیبایی ها و جذابیت های ظاهری در آنها نقش زیادی دارد و در دنیای احساسات و عواطف غوطه می خورند، شناخت کامل از خصوصیات اخلاقی و سلیقه های فردی حاصل نمی شود. البته، بعد از مطالعه و دقت های لازم، اگر شرایط مثبت بود و دختر و پسر واقعاً قصد ازدواج با یکدیگر را داشتند، می توانند برای اطمینان بیش تر و ایجاد هماهنگی و آمادگی برای آغاز زندگی، با نامزدی رسمی و شرعی (به صورت عقد موقت) به خواست خویش برسند. در پایان، باید به این نکته توجه کنیم که روابط آزاد دختر و پسر، نه تنها طرفین را به شناخت مورد نیاز نمی رساند، بلکه چه بسا سبب بدنامی و محرومیت از ازدواج مناسب و درخور شأن آنان می شود؟ هم چنین، غوطه ور شدن در این نوع روابط، جوانانی را که شاید در بهترین مقطع از سن خود، به دنبال آموختن علم و کسب تجربه برای آینده خویش باشند، در اضطراب و هیجانات بی اساس نگه می دارد و با ایجاد فشارهای روحی و تشویش های درونی، آرامش را از آنان سلب می کند؟ هیچ گاه این جوانان طعم شیرین آرامش، شادی و رضایت را در زندگی خانوادگی نخواهند چشید و همیشه چشم طمع به دیگران خواهند داشت؟ و این دردی است خانمان سوز که درمانی ندارد. اگر نگاهی به کشورهای غربی و غرب زده که در این زمینه آزادی کامل دارند، بیندازیم، چیزی جز مفاسد گوناگون و معضلات مختلف اجتماعی نمی یابیم علاوه بر این ها، دوستی ها و ازدواج هایی که بر این پایه چیده شده اند، بسیار متزلزل اند؟ هفته نامه ها و مجلات خانوادگی مملو از غم نامه هایی است که دخترها و پسرها درباره دوستی ها و ازدواج های ناکام خود می نویسند! بسیاری از آنان وقتی شور و اشتیاق اولیه شان برای زندگی فرو می نشیند و با واقعیت های زندگی بیش تر و بهتر روبه رو می شوند، با یکدیگر احساس نوعی بیگانگی و غرابت می نمایند و با عدم تفاهم در زندگی مشترک مواجه می شوند کم نیستند زوج هایی که به خاطر این نوع ازدواج ها از هم جدا می شوند. واضح است که خود طلاق هم معضلی بزرگ است، هم برای اجتماع و هم برای آن خانواده از هم پاشیده!

پیامدهای منفی روابط نامشروع در بین جوانان

۱۰ از بین رفتن کرامت انسانی و غرق شدن در شهوات

اگر انسان ارضای غرایز و شهوات را تنها هدف زندگی بداند، دیگر معنا ندارد که راه مخصوصی را برای آن در نظر بگیرد، بلکه

در نظر او هر عاملی که بهتر و بیش تر در خدمت شهوات قرار گیرد، (چشم چرانی، روابط نامشروع، خودارضایی، میل و اعتیاد به تماشای عکس ها و فیلم های مبتذل و...) موجه و پسندیده خواهد بود؟ هرچند در ستیز با ضوابط عقلی و دینی باشد و به نابودی شرافت انسانی و جامعه بشری منجر شود. (۵) عامل اصلی انحرافات اخلاقی و تضعیف باورهای اعتقادی در غرب، همین طرز تفکر، یعنی نگرش استقلالی به غرایز است. این مسأله باعث شده که تمامی ارزش های انسانی زیر پا گذاشته شود و افراد در مسیر انحطاط و تباهی سیر کنند. در واقع مشکلات و معضلات اخلاقی و اجتماعی، چون: قتل، جنایت، خودفروشی، اختلالات روانی، تزلزل پیوند خانوادگی و... همه معلول اصل لذت جویی و حکومت غرایز و روابط آزاد و مختلط و از میان رفتن اهداف بلند انسانی است.

۲. سلب آرامش روانی و ایجاد اضطراب و افسردگی

روابط آزاد و نامشروع، باعث می شود سلامت روانی افراد به شدت آسیب ببیند و فطرت پاک انسانی وی به گناه آلوده شود. ۰ عدد ه ای هم چون فروید (۶) و راسل (۷) آزادی های جنسی را برای دست یابی به آرامش روانی و برطرف شدن عقده های درونی پیشنهاد نمودند، اما نتیجه ای که به دست آمد دقیقاً خلاف آن بود. این فقط مشکل غرب نیست، بلکه در سایر جوامع که به پیروی از غرب رو آورده اند نیز روز به روز آمار اختلالات و بیماری های روانی و جنایات ناشی از ناکامی ها افزایش می یابد. استاد شهید مطهری (ره) گسترش محرکات جنسی را عامل اصلی انحرافات اخلاقی و غرق شدن در شهوات می داند (": این نوع روابط) هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع نشدنی در می آورد. در رویکرد دینی، غریزه جنسی هم چون آتشی است که هرچه بیشتر به آن خوراک بدهند شعله ورتر می شود و هیچ گاه فرد به ارضای کامل دست نمی یابد. در نتیجه، اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری جنسی، گستره خاصی دارد و از آن پس آرام می گیرد. (در این میدان)، هیچ فردی از تصاحب زیبارویات و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان، و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود. از طرفی تقاضای نامحدود، خواه و ناخواه، دست نیافتنی و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت است و منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می خورد." (۸)

۳. کاهش میل به ازدواج و تشکیل زندگی شرافتمندانه

جوانانی که قبل از ازدواج، روابط نامشروع را تجربه کرده و طهارت روح و صفای باطن خود را لکه دار ساخته اند، انگیزه چندانی برای ازدواج ندارند و انتخاب همسر برایشان مشکل می شود؟ زیرا از طرفی به همه شک دارند (۹) و از طرف دیگر بعد از ازدواج نیز دل کندن از لذت های گذشته برایشان مشکل است و تنوع طلبی روانشان را بیمار ساخته و چه بسا بعد از ازدواج، دوباره به منجلاب فساد کشیده شوند. ویل دورانت می گوید: "فساد پس از ازدواج، بیش تر محصول عادات پیش از ازدواج است." (۱۰)

۴. تضعیف باورهای اعتقادی و ایمان

پی نوشت ها:

(۱) سوره نور: آیات ۳۰-۳۱ (۲) میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۲ (۳) سوره احزاب: آیه ۳۲ (۴) عین الحیات، ص ۱۴۰ (۵) محمد رضا امین زاده، اسلام و ارضای غریزه جنسی، ص ۱۲ (۶) ر.ک. : چارلز کادور و دیگران، نظریه های جمعیت، ص ۳۷۸ (۷) ر.ک. : برتراند راسل، جهانی که می شناسم، ص ۷۰ (۸) مرتضی مطهری (ره)، حجاب، ص ۸۴-۸۷ (۹) آیت الله مکارم شیرازی، مشکلات جنسی

جوانان، ص ۳۱. ۱۰) ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۹۴. ۱۱) سوره بقره: آیات ۳۰-۳۱. ۱۲) میزان الحکمه ج ۱۰، ص ۳۸۶. ۱۳) همان. ۱۴) همان، ص ۳۷۸. ۱۵) ر. ک: جوان و روابط، ابوالقاسم مقیمی حاجی.

فصل هفتم

اشاره

علت منع روابط آزاد میان زن و مرد چیست؟ به طور کلی دلایل منع روابط آزاد میان زن و مرد را در موارد ذیل فهرست می کنیم:

۱. لزوم توجه به ابعاد متعالی انسان اعم از مرد و زن

زنان و مردان به عنوان جماعت انسانی، ابعادی دارند که برخی از آنها بسیار متعالی و برخی دیگر هم با بخش حیوانی مرتبط هستند. انسان فعالیت های متفاوتی انجام می دهد و توانایی های متعددی دارد که با توجه به توانایی ها و نوع فعالیت ها می تواند اهداف مختلفی برای خود انتخاب نماید. حال در صورتی که روابط مردان و زنان آزاد باشد، به دلیل آسیب پذیری انسانها در این رابطه و حاکمیت غریزه، ابعاد متعالی آدمی تحت الشعاع قرار گرفته و عقربه ذهنی و رفتاری افراد به سمت مسایل جنسی و حواشی آن رفته و هر یک از آنها از ابعاد متعالی خود و دیگری غفلت می ورزند. روشن است که سرکشی شهوت، عقل را ناکارآمد می کند. امیرالمؤمنین ع فرموده اند که بر اثر هوس و شهوت عقل و خرد از بین می رود (۱)

۲. حراست از کرامت انسانی زنان

در صورت رواج بی بند و باری در جامعه، این زنان هستند که بیشتر متضرر می شوند، چرا که در این صورت زنان در ارزیابی مردان، به کالاهای جنسی تبدیل می شوند و تنزل زنان تا به این حد، بدترین شکل ممکن از سقوط شخصیت آدمی است. اگر زنان به خاطر جاذبیت هایشان مورد علاقه واقع شوند و بر این اساس با کسی پیوندی مقدس به نام ازدواج ببندند در حالی که دیگر امتیازات شخصیت آنها هم دیده شده و در مجموع یک همراه و شریک در زندگی ای متکامل به حساب آیند، ابداً مذموم نیست. لکن، وقتی فقط از لحاظ مسایل شهوانی مورد نظر آیند، بسی خسران نموده و حقیرانه زندگی خواهند کرد. در ادله و روایات موارد قابل توجهی وجود دارد که به مردانی که در صدد ازدواج هستند توصیه می کنند که زنان را فقط بابت جمال ظاهری شان نخواهند و به ابعاد دیگر و شخصیت باطنی شان توجه کنند. در واقع شیوع نگاه ظاهربین و غلط باعث می شود از توان بالقوه و بالفعل زنان در جهات مختلفی که با پیشرفت جامعه مرتبط است غفلت شده و خودفراموشی مفراطی را نیز در زنان باعث گردد.

۳. تأثیرات مخرب فرهنگی روابط آزاد بر زنان و مردان

در حقیقت مسأله فوق متأسفانه به تغییر فرهنگ به تمام معنا و در تمام ابعادش می انجامد. تبدیل شدن زنان به کالاهای جنسی، تمام ظواهر زنان از جمله پوشش، نوع سخن گفتن، کیفیت و کمیت ایجاد روابط اجتماعی، آمال و آرزوها... را تغییر می دهد. تشدید این مسأله در زندگی مردان نیز اثر گذارده و به جای مردان غیرتمند طالب زندگی پایدار، از آنان مردان هوسران و متقاضیان کالاهای جنسی می سازد.

۴. تنزل بنیان خانواده

بدیهی است که انحصار روابط زناشویی در خانواده زمانی ممکن است که در صحنه علنی جامعه مردان و زنان از این حیث در اختیار یکدیگر نباشند. دسترسی آسان به تأمین غرایز از طرق نامشروع علاوه بر آنکه مردان و زنان متاهلی را که از نظر ایمان و تقوی سست بنیاد هستند در معرض آسیب قرار می دهد، با بالابردن آستانه لذت و کامیابی و توقعات روبه تزاید مردان و زنان از یکدیگر بر فروپاشی خانواده اثر بیشتر می گذارد. مردان و زنان در مراودات آزاد خود با غیر همسر، مداوم در فکر مقایسه همسر خود با نمونه های جدیدند و با این کار احساس رضایت خود را نسبت به خانواده و همسر خود از دست می دهند. علاوه بر امر فوق، وجود این روابط، انگیزه های اولیه تشکیل خانواده را از بین می برد؟ یعنی در پایین کشیدن آمار ازدواج موثر است. در شرایطی که تشکیل خانواده مؤونه و زحمت زیادی در بردارد و بر دوش هر یک از طرفین مسئولیت هایی می نهد، وجود روابط آزاد باعث می شود که متاسفانه افراد از نامطلوب ترین راه ممکن غرایز خود را تأمین کنند و فارغ از مسئولیت های خانوادگی در لذت جویی افراط نمایند. (۲)

۵. غریزه محوری به جای بالندگی و سازندگی فکری (استهلاک قوا)

در حالت روابط افسار گسیخته و آزاد، صفحه فکر و مغز آدمی تحت تصرف غریزه درمی آید و قوای مختلف انسان، مستهلک در آن می شود. دقیقاً مانند انسانی که البته ناخواسته به بیماری عطش مبتلاست، این انسان تمام همتش نوشیدن آب است و نمی تواند به مسأله دیگری بیندیشد. به دنبال آنهم تمام افعالش منحصر در همان نوشیدن است. زمانی که وقت زنده و پویای یک جوان به حواشی مسایل جنسی مصروف می شود دیگر جایی برای فعالیت های سازنده باقی نمی ماند. بر همین اساس است که در قرآن کریم در تمام آیات مربوط به کنترل روابط زن و مرد و ایمن سازی آن می فرمایند که رفتارهای مختلف کنترل کننده "ازکی" هستند؛ یعنی رشد دهنده ترند. (۳) زیرا تمام قوا در سایه فضای ایمن شده، رشد می کنند.

۶. ابعاد و پیامدهای سیاسی و اقتصادی روابط آزاد

مسأله روابط آزاد زنان و مردان در طول تاریخ علاوه بر اینکه یک مسأله اجتماعی با ابعاد فرهنگی بوده، ابعاد سیاسی و اقتصادی هم داشته است. کسانی که کمی با تاریخ جهان آشنا بوده و قصه استعمار نو را مطالعه نموده باشند، می دانند که آزادسازی روابط زنان و مردان و اباحیگری اخلاقی تا چه، حد جوامع و به خصوص قدرت جوان ملت ها را فلج کرده و تخم بی تفاوتی نسبت به مسایل اساسی داخلی یک کشور را بین آنها افشانده است. علاوه بر امر فوق باید دانست که همواره واسطه ها و دلالتان تباهی، بهره های فراوانی از جاذبه های جنسی بین زن و مرد برده و به ثروتهای کلانی رسیده اند. امروزه ابعاد اقتصادی و یا سیاسی فساد و فحشا، که نتیجه قهری روابط آزاد است ابعادی جهانی دارد و این مساله را از سطح یک مسأله اخلاقی و شرعی به سطح غیرقابل باوری کشانده است. وجود میلیونها روسپی در سرتاسر جهان، قانونی شدن رفتار شنیع کسانی که به کارگران جنسی مشهورند و دهها امر خطرناک دیگر همه و همه نتیجه تغییر رفتار انسانها در امر روابط بین زن و مرد و تحول در هنجارهای مربوطه است. متاسفانه در شرایطی که تمکین یک زن از همسرش از نظر طرفداران حیات مدرن، گناهی نابخشودنی و بی احترامی به زن تلقی می شود، روابط آزاد به راحتی تجویز می گردد. (۴)

۷. سلطه پورنوگرافی بر ارتباطات

پورنوگرافی که از نظر مدافعین روابط آزاد امری مورد نیاز به حساب می آید! (۵) به معنای هرزه نگاری و پرداختن به امور جنسی شنیع و مستهجن در عرصه رسانه ای است. گرچه مسأله پورنو و بحثهای راجع به آن "در حد یک بازی پینگ پنگ و یا مسأله

غیرقابل سانسور تنزل یافته است. (۶) ولی در واقع این دیو خوش خط و خال، امروزه باعث شده که هیچ رسانه ای و هیچ محصول رسانه ای از سیطرهء غرایز جنسی خلاصی نیابد. واقعاً به سختی می توان به کتاب، فیلم، نوار کاست، سی دی و... دست یافت که جلوه ای از مراتب مختلف امر مزبور در آن بروز و ظهور نداشته باشد. و این بهره برداری از رسانه در راستای هرزگی و ابتذال جنسی قطعاً ضررهای جبران ناپذیری به فرهنگ اخلاق بشری وارد ساخته و خواهد ساخت.

۸. تهدید جدی بهداشت و سلامت افراد

روابط آزاد به خصوص در اشکال نهایی اش باعث از بین رفتن یک خاصیت مهم ازدواج می شود و آن انحصار در شریک زندگی است. عدم انحصار در شریک زندگی صرفنظر از آثار روانی متفاوت برای هر یک از زن و مرد و فرزندان و از بین رفتن نسلی پاک و شناخته شده، در حال حاضر و در شرایطی که دنیا در محاصره وحشت آور بیماریهای مقاربتی است، یک فاجعه انسانی جبران ناپذیر به حساب می آید. بسیار واضح است که ایمن سازی روابط آزاد نه آسان است و نه چندان علمی. در زندگی ای که بر پایه هوس و اطفای غریزه تشکیل شده است، زن و مرد هیچ ضمانت اخلاقی به یکدیگر نسپرده اند که همدیگر را دوست بدارند، مراقبت کنند و به یکدیگر ضرر نرسانند. بنابراین انتقال ویروس های خطر آفرین، نظیر ویروس ایدز (HIV) از این طریق بسیار شایع است. در حالی که در یک زندگی با ثبات اخلاقی که افراد به هم تضمین سپرده اند، یکدیگر را دوست می دارند و مراقبت می کنند، حتی اگر یکی از طرفین مبتلا به یک بیماری باشد سعی می کنند روابط خود را ایمن سازند و یا حداقل به دلیل همان انحصار، شیوع و انتقال بیماری ها به کندی صورت می گیرد.

۹. پیدایش انحرافات جنسی

شیوع روابط آزاد زن و مرد و به دنبال آن ترویج پورنو، تجاری شدن سکس و... انسانها و رفتارهای آنان را از اعتدال خارج نموده و رضایتمندی آنها را نسبت به رفتارهای متداول تغییر داده و سطح عظیمی از انحرافات جنسی را ایجاد می کند. نمونه تأسف بارن که شاید از نتایج ارزان و مفت بودن ارتباط زن و مرد و سهل الوصول بودن زنان است، میل به همجنس و بدتر از آن قانونی دانستن این عمل است. در حالی که در یک جامعه محجوب خطای رفتاری در روابط نگاه با تلذذ یک مرد به زن است، در یک جامعه باز حتی بدن های برهنه نیز دیگر محرک به حساب نمی آیند و اشتهای بشر بریده از اخلاق و معنویت به دنبال بدترین خوراک و آلوده ترین نوع مصرف می گردد.

پی نوشت ها:

(۱) منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۱۰. (۲) جهت اطلاع بیشتر از این موضوع ر. ک: کتاب "زن بودن" اثر دکتر تونی گرن. (۳) بقره/ ۲۳۲، نور/ ۲۸ و ۴۰۳. ر. ک: به زن بودن، ص ۹۷. (۵) فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۳/ ۶ همان، ص ۲۲.

فصل هشتم

اشاره

احکام روابط زن و مرد

احکام صحبت کردن

الف) صحبت کردن مرد با نامحرم

۱. مسأله: مردها می توانند با نامحرم با شرایط زیر صحبت نمایند: الف- به قصد لذت و ریه نباشد. ب- با این صحبت کردن به گناه آلوده نشوند. ۲. مسأله: صحبت کردن با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است، خصوصاً اگر مخاطب جوان باشد. ۳. مسأله: اگر مردی بداند چنانچه با نامحرمی صحبت کند به گناه خواهد افتاد نباید با او صحبت کند، خواه زن به گونه ای صحبت کند که مرد را به گناه بیندازد یا درباره مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. ۴. مسأله: اگر مردی به قصد به حرام انداختن نامحرمی با او صحبت کند، حرام است. نتیجه: صحبت هایی که به قصد به شهوت انداختن دیگری گفته می شود مانند تعریف کردن صحنه های تحریک کننده حرام است. ۵. سؤال: آیا مرد می تواند با زن نامحرمی که می خواهد با او با قصد لذت صحبت کند حرف بزند (در صورتی که مرد می داند به گناه آلوده نخواهد شد). جواب: جایز نیست. ۶. مسأله: اگر مردی خوف آن را داشته باشد که چنانچه با نامحرمی صحبت کند آن زن او را به گناه آلوده خواهد کرد نباید با او صحبت کند. ۷. مسأله: اگر مردی بداند چنانچه با نامحرمی صحبت نماید به گناهی غیر از مسائل شهوانی آلوده می شود جایز نیست با آن زن صحبت کند. مثلاً: بداند چنانچه با آن نامحرم صحبت کند مجبور خواهد شد دروغ بگوید و یا غیبت کند یا تهمت بزند خواه او مرد را وادار به گناه بکند و یا خودش به واسطه این صحبت به این گناهها آلوده شود. ۸. مسأله: صحبت کردن با هر کسی و درباره هر چیزی از روی شهوت و لذت جایز نیست. (مگر با همسر). توجه: گاهی دیده می شود در دل بعضی از مردان چنان شیطان رسوخ کرده است که بسیاری از معاشرت های آنها را شبهه دار کرده است، لذا دیده شده است که مردی چنان به مراوده با نامحرم گرایش دارد که گویی محرم اوست. مثلاً در حالی که می تواند مطلبی را از مردی بپرسد از نامحرم می پرسد. گاه صحبت کردن خود را با نامحرم کش می دهد تا بیشتر با او صحبت کند. رفتن به تفریح و سفر با نامحرم بیشتر برایش جذاب می نماید. اگر در جایی نامحرمی باشد بیشتر مایل است در آنجا باشد. در میهمانی ها سعی دارد با نامحرم بیشتر صحبت کند و با آنها بیشتر مراوده داشته باشد، در مقابل نامحرم بیش از هر جای دیگری از توان خود مایه می گذارد و خلاصه به هر کاری که نامحرم در انجام آن شریک باشد بیش از دیگر کارها علاقه نشان می دهد و... مردان و به خصوص جوانان عزیز باید به شدت از آنها اجتناب کنند؛ زیرا این گونه مراوده ها و صحبت کردن ها معمولاً با قصد لذت و ریه همراه است و شرعاً حرام خواهد بود.

ب) صحبت کردن زن با نامحرم

۹. مسأله: خانمها می توانند با نامحرم صحبت نمایند مشروط به آنکه: الف- به قصد لذت و ریه نباشد. ب- صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند. ج- خوف افتنان نباشد. ۱۰. مسأله: جایز نیست خانمی به قصد به حرام انداختن نامحرم با او صحبت کند. خواه مطالبی را بگوید که او به گناه بیفتد یا به گونه ای بگوید که نامحرم به گناه آلوده شود مانند: تعریف کردن صحنه های محرک و یا بیان چیزهایی که نامحرم با شنیدن آن تحریک می شود. همان گونه که درباره مردان گفته شد گاهی ممکن است خانمها نیز گرفتار حيله های شیطانی بشوند. لذا با نامحرم چنان گرم می گیرند که گویی برادر اوست. خصوصاً خانمهایی که با نامحرم تماس بیشتری دارند مانند پرستارها، و کسانی که در ادارات و یا شرکتها کار می کنند و... باید بیش از دیگران مراقبت نمایند. کمک خواستن از نامحرم برای کارهای غیر ضروری، سؤال کردن از نامحرم در حالی که می توان از محارم پرسید، بحث کردن و خود را وسط انداختن، اظهار فضل کردن به نامحرم و زیاد کردن مراوده با نامحرم، علاقه بیشتر به کار کردن در محیطی که نامحرم هست و خلاصه همه اینگونه موارد در مظان گناه است و معمولاً اینگونه تماس ها با لذت و ریه همراه است و شرعاً حرام خواهد بود. ۱۱. مسأله: خانمها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم صدای خود را رقیق و نازک کنند به گونه ای که اگر در دل مخاطب مرضی

باشد او را به خود جلب کند، اگر چه درباره مطالبی عادی صحبت کنند.

۱۲. مسأله: هر کسی که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست و هرگونه لمس کردن بدن با هر عضوی باشد حرام است و باید از آن اجتناب کرد مگر از روی لباس و بدون قصد لذت و ریه.

۱۳. سؤال: آیا دست دادن با نامحرم جایز است در صورتی که بدون قصد لذت و ریه باشد. جواب: جایز نیست. مگر از روی لباس و در این صورت بنابر احتیاط واجب نباید دست او را بفشارد. ۱۴. سؤال: ما در محیط دانشگاه های کشورهای غربی هنگام برخورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر ناگزیر از مصافحه (دست دادن) هستیم، و گرنه حمل بر سوء ادب دانشجویان مسلمان می شود. تکلیف چیست؟ جواب: لازم است به آنها تفهیم کنید که عدم مصافحه با زن نامحرم ناشی از سوء ادب نیست، بلکه معلول عقیده اسلامی و تعهد به احکام آن است. ۱۵. سؤال: در بعضی مناطق مساله محرم و نامحرم چندان مورد اهمیت نیست، خصوصاً روستائینان، مثلاً زن، خود را از برادر شوهر حفظ نمی کند و او را به منزله برادر واقعی می داند. چنانچه متقابلاً او هم وی را خواهر خویش می داند و چه بسا مصافحه می کنند یا همدیگر را می بوسند. یا دختر عمو و دختر دایی با پسر خاله یا عموزاده مصافحه و روبوسی می کنند، این عمل چون از روی سادگی و بدون قصد لذت و ریه می باشد آیا اشکال دارد و بر فرض محذور داشتن از روی پارچه حکمش چیست؟ جواب: هیچ یک از موارد فوق جایز نیست و بهتر است از روی پارچه نیز اجتناب شود. ۱۶. مسأله: اگر چه دیدن وجه و کفین زن مسلمان محبه و دیدن مقدار معتاد از بدن زنان کفار اشکال ندارد، لکن لمس کردن آنها جایز نیست. نتیجه: مرد و زن نامحرم نمی توانند با یکدیگر دست بدهند و یا هرگونه تماس بدنی دیگری داشته باشند. توجه: در موارد ذیل باید بش از هر موقع مراقب تماسهای بدنی بود: گرفتن چیزهای کوچک از دست نامحرم مانند گرفتن یا دادن پول خرد، کلید و اشیای کوچک دیگر، نشستن در کنار نامحرم در تاکسی، اتوبوس، میهمانیها و... عبور کردن هم زمان زن و مرد نامحرم از محلهای تنگ مثل راهرو، کوچه باریک، درب و... رفتن مردان به مجالس شلوغ زنانه یا محلهایی که زنهای نامحرم زیادی هستند و همچنین رفتن زنان به مجالس و محلهای شلوغی که مردان نامحرم زیادی هستند و هنگام خرید و فروش. ۱۷. مسأله: تماسهایی که در محلهای شلوغ (مانند بازارها، تظاهرات، نماز جمعه، تشییع جنازه، حرم ها و یا بیت الهن الحرام) به طور ناخود آگاه بین زن و مرد نامحرم واقع می شود اشکال ندارد، مشروط به آنکه برای اینکه تماس بگیرد عمداً به آنجا نرفته باشد. نتیجه: اگر کسی به منظور تماس بدنی پیدا کردن با نامحرم به محلی برود و یا از محلی عبور کند و یا در اتوبوس و تاکسی کنار نامحرمی بنشیند یا بایستد و... حرام است و باید از آن اجتناب کند. ۱۸. سؤال: راه رفتن با نامحرم چه حکمی دارد؟ جواب: اگر به قصد لذت و ریه باشد، جایز نیست. ۱۹. مسأله: مردان بنابر احتیاط واجب نباید دختران نامحرم را از شش سال به بالا بغل کنند و روی پای خود بگذارند یا بوسند. ۲۰. سؤال: آیا نشستن در کنار نامحرم در تاکسی و یا وسائل نقلیه دیگر جایز است؟ (در صورتی که تماس بین این دو از روی لباس باشد). جواب: اگر به قصد لذت و ریه نباشد و بر آن مفسده ای مترتب نباشد، مجرد نشستن به نحو مذکور اشکال ندارد.

۲۱. مسأله: بوسیدن محارم اشکال ندارد، مشروط به آنکه به قصد لذت و ریه نباشد (به استثناء همسر که مطلقاً جایز است).

اشاره

نتیجه: بوسیدن خواهر زاده، نوه، و یا هر بچه ای، و به طور کلی بوسیدن هر محرمی به قصد لذت و ریه حرام است. البته به استثنای همسر. ۲۲. مسأله: اگر انسان بداند با بوسیدن شخص دیگری اعم از بچه یا محارم خود، به گناه آلوده می شود نباید او را ببوسد. ۲۳. مسأله: بوسیدن هر چیزی به قصد لذت حرام است. اعم از سنگ، چوب، فلز، مجسمه،...

قانون کلی

۲۴. مسأله: هرگونه تماسی با هر یک از اعضای بدن با هر چیزی و یا هر کسی به قصد لذت و ریه حرام است (به استثنای همسر).

منبع:

احکام روابط زن و مرد و مسایل اجتماعی آنان: سید مسعود معصومی، بوستان کتاب قم

www.noorfatemah.org